

از بازیگری تا نویسندگی

دکتر شهرام خرازپها

● شرلی مک لین:
وقتی به تدریج با افکار و عقاید
مردم مختلف از شرق آسیا،
هندوستان، روسیه، اعراب
تا کوه‌نشین‌های هیمالیا آشنا
شدم، برایم روشن‌تر شد که
تا قبل از آن من خیلی
بی‌اطلاع بودم.



شرلی مک لین، خواهر وارن بیتی، متولد ۱۹۳۴ ویرجینیا در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. پدرش رهبر ارکستر و مادرش بازیگر بود. او با باله کار هنری خود را شروع کرد. در ۱۹۵۰ به نیویورک رفت و به عنوان سیاهی‌لشکر ایفای نقش کرد. به وسیله‌ی **هال والیس** با **پارامونت** قرار داد بست. در ۱۹۵۴ با **اسیتو پارکر** کارگردان و مدیر تئاتر ازدواج کرد. اولین فیلمش را در ۱۹۵۵ بازی کرد و شرح حال خود را ۱۹۷۰ با عنوان **بیا از کوه نیفتی** انتشار داد. در سال ۱۹۷۳ فیلمی مستند، درباره‌ی چین با نام **طرف دیگر آسمان** می‌سازد.

چهل و نهمین جشنواره‌ی فیلم برلین که در فوریه ۱۹۹۹ برگزار شد، جایزه **خرس طلایی یک عمر دستاورد هنری** را به شرلی مک لین اعطا کرد. در شب مراسم اعطای جوایز **حضور هال اشبی** (۱۹۸۰) به نمایش درآمد که در آن مک لین با پیتر سلرز فقید ایفای نقش کرده است. جشنواره ۱۲ فیلم از فیلم‌های این بازیگر ۶۴ ساله را در برنامه مرور بر فیلم‌های وی به نمایش درآورد از جمله نخستین فیلم وی **در دسری با هری** (۱۹۵۵، آلفرد هیچکاک) و **ایرما خوشگله** (۱۹۶۳، بیلی ویلدر) بود.

موریتس دهاد لن مدیر جشنواره در بیانیه‌اش اشاره کرده است: «بیش از ۴۳ سال است که **شرلی مک لین** تماشاگران سراسر جهان را به یاد ماندنی‌ترین نقش آفرینی‌هایی که تاکنون بر نوار سلولوئید ثبت شده به وجد آورده است. شرلی مک لین سابقه‌ای طولانی در جشنواره‌ی برلین دارد. تاکنون هشت فیلم از او در دوره‌های مختلف به نمایش درآمده و دوبار نیز برای **از هر دختری پیرس**، ۱۹۵۹، **چارلز والترز** و **شخصیت‌های نومید**، ۱۹۷۱ **فرانک ده گیلروی** خرس طلایی را دریافت کرده است.»

سه کتاب با عنوان‌های **بیا از کوه نیفتی**، **راهی به مقصود** و **سفر به درون** از شرلی مک لین توسط انتشارات البرز منتشر شده است که در این مقاله به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

کتاب‌های پر فروش و خواندنی **شرلی مک لین** ثابت می‌کنند که او نه تنها در عرصه‌ی تئاتر، باله و سینما بلکه در حیطه‌ی روان‌شناسی، خاطره‌نگاری، سیاست، زندگی‌نامه‌ی خود نوشت و سفرنامه نویسی نیز انسان موفقی است.

مک لین از لغات و واژه‌های ثقیل استفاده نمی‌کند، مسائل پیچیده را با ساده‌ترین زبان بیان می‌کند و شیوه‌های گوناگونی را برای روایت کردن سوژه‌های مختلف به کار می‌گیرد. رمز موفقیت او در آثار نوشتاری‌اش تأکید بر **تنوع آفرینی** است. هر فصل از این کتاب‌ها ضمن ارتباط تنگاتنگ با سایر فصول از جذابیت مضمونی تازه‌ای نیز برخوردار است به گونه‌ای که خواننده هرگز احساس خستگی و یکنواختی نمی‌کند. او در کشف چرایی و فلسفه‌ی سنت‌ها و آداب و رسوم مردم جهان، بی‌نهایت سنج و کنجکاو بوده به همین سبب هم سفر با **مک لین** بسیار مهیج و سرشار از بازگشایی رموز و افشای ناگفته‌هاست. پشت‌کار او در جهانگردی و پذیرش موقعیت‌های خطیر و پر مسئولیت بسیار تحسین برانگیز است.

مک لین از تحصیلات دانشگاهی چندان بی‌برخوردار نیست اما در عوض دنیایی از تجربه است. تجاربی که حاصل سفرهای طولانی او به بدوی‌ترین مناطق است.

کتاب اول: بیا از کوه نیفتی

در **بیا از کوه نیفتی** مک لین از زندگی‌نامه‌ی خود نوشت به سفرنامه نویسی می‌رسد. نویسنده تا آن جایی که لازم دانسته اطلاعاتی از پدر و مادر و برادرش - **وارن بیتی** - در اختیار خواننده قرار داده است اما به نظر می‌رسد که عامدانه برخی از نکات منفی اعضای خانواده‌اش را پوشیده نگاه داشته است. همچنین در مورد فعالیت‌های سینمایی برادرش کم‌تر سخنی به میان می‌آورد. در ادامه مک لین چگونگی ورودش به عالم هنر را شرح می‌دهد؛ در این مسیر او با ظرافت به مدد قریحه‌ی داستان‌پردازی‌اش از مشکلاتی که پاهای دراز و کشیده‌اش برایش به وجود آورده‌اند یاد می‌کند؛

در حقیقت سرنوشت و آینده‌ی مک لین را پاهایش رقم زدند: هیچ پاهایم از موقع تولد دچار ضعف بود و این موضوع از هنگام راه افتادن من در سنین پایین دیده شد... مادرم به همین دلیل و صرفاً به لحاظ فیزیوتراپی در سن سه سالگی مرا به کلاس باله برد. همان‌جا بود که اندیشه‌های من شکل گرفت و باعث شد استعدادهای درون‌ام راه مناسب خود را بیابند. در واقع ورزشی که ابتدا برای تقویت معج یا در نظر گرفته شد، باعث دگرگونی کل زندگی من شد و امکاناتی را برایم ایجاد کرد تا بتوانم خود را بهتر به دیگران بشناسانم» (ص ۹) و چند سال بعد: «دیگر چیزی به بالا رفتن پرده باقی نمانده بود. من هنوز در پشت پرده برای آمادگی بیشتر تر جهش‌هایی را انجام می‌دادم که ناگهان محکم بر زمین افتادم و پایم زیر بدنم ماند. درد بسیار شدیدی در ناحیه‌ی قوزک پایم احساس کردم» (ص ۱۵) «در ناحیه‌ی قوزک پا درد شدیدی داشتم ولی... توجهی به این درد نمی‌کردم. آن زمان برای اولین بار بود که تسلط روح بر جسم را مشاهده می‌کردم... فکر می‌کنم برای اولین بار در صحنه‌ی همین نمایش بود که به استعداد واقعی خود به عنوان یک بازیگر پی بردم» (ص ۱۶)

نویسنده بعد از شرح ریاضت‌های فراوانی که به خاطر تبحر در باله و نمایش تحمل کرده، به مرور ملاقات‌های خود با سرشناس‌های سینما را - از جمله **آلفرد هیچکاک** - مطرح و فضای تاجر مآبانه و قراردادهای ناعادلانه جاری در **هالیوود** و تأثیرات بیرونی فیلم‌هایش را تبیین می‌کند.

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های کتاب مربوط می‌شود به تحقیقات مک لین در مورد زنانی که در محله‌های بدنام پاریس زندگی می‌کنند. او برای ایفای نقش در فیلم **ایرما خوشگل** ناگزیر به چنین کاری بود. تصاویری که مک لین از این قربانیان اجتماع در اذهان مجسم می‌کند بسیار تکان دهنده و عبرت‌آموز است. نویسنده با وجود علاقه‌ی وافری که به طرح ناسامانی‌های همجنسان خود داشته، هرگز به دام فمینیسم نیفتاده و در هیچ یک از کتاب‌هایش مسئله‌ی جنسیت را با دیدی جانبدار و یک طرفه برجسته نکرده است. این نوع نگرش سبب شده تا خواننده بدون پیشداوری در جریان حوادث و رخدادها قرار بگیرد.

مک لین از فصل دهم به بعد مسیر روایی کتاب را عوض می‌کند:

«تازه داشتم به شهرت و قدرت عادت می‌کردم که فکرم به مسائل دیگری معطوف شد. همیشه یکنواختی زندگی مرا کسل می‌کرد... به شدت نیاز داشتم که دنیا را بیش‌تر بشناسم. به عنوان ستاره‌ی سینما خود را در یک قفس محبوس می‌دیدم و میل داشتم از این قفس خارج شوم» (ص ۱۲۵)

از این پس است که انگیزه‌ی مک لین برای بازی در فیلم‌های سینمایی عوض می‌شود و او ورای تمایلات درونی‌اش به هنرپیشگی، کار سینما را فقط به عنوان یک منبع مالی برای تأمین مخارج سفرهایش به

● شرلی مک لین در کمال احترام و واقع‌بینی از فرهنگ عامه و عادات و رسوم ملل مختلف یاد می‌کند.

فیلم‌شناسی:

دردسری (۱۹۵۵) / هنرپیشگان و مانکن‌ها (۱۹۵۵) / دور دنیا در هشتاد روز (۱۹۵۶) / طلسم داغ (۱۹۵۸) / دلاله (۱۹۵۸) / چوپان (۱۹۵۸) / بعضی‌ها دوان دوان آمدند (۱۹۵۸) / از هر دختری پیرس (۱۹۵۹) / کان کان (۱۹۶۰) / یازده بار اوشن (۱۹۶۰) / آپارتمان (۱۹۶۰) / کار یک شب (۱۹۶۱) / دو عشق (۱۹۶۱) / گیشای من (۱۹۶۲) / ساعت بچه‌ها [در ایران: شایعه] (۱۹۶۲) / الا کلنگ دو نفره (۱۹۶۲) / ایرما خوشگل (۱۹۶۳) / چه زندگی شگفت انگیزی (۱۹۶۴) / جان گولد لطفاً به خانه برگرد (۱۹۶۴) / رولزرویس زرد (۱۹۶۴) / گامبیت (۱۹۶۶) / هفت بار زن (۱۹۶۷) / چرتی شیرین (۱۹۶۹) / دو قاطر برای خواهر سارا [در ایران: سارا] (۱۹۷۰) / شخصیت‌های ناامید (۱۹۷۰) / تسخیر جوئل دلانی (۱۹۷۱) / سال زن (۱۹۷۵) / نقطه‌ی عطف (۱۹۷۷) / آن‌جا بودن (۱۹۷۹).

اقتضای نفاط جهان ادامه می‌دهد.

«من مصمم بودم به هر پرسشی که بتواند باعث خوشبختی کسی شود پاسخ دهم. با این زمینه‌ی فکری به سفر پرداختم...» (ص ۱۳۵)

جملات فوق ما را به یاد **اوربانا فالاجی** مشهورترین خبرنگار زن و کتاب معروفش **زندگی، جنگ و دیگر هیچ** می‌اندازد. او این کتاب را در پاسخ خواهر کوچکش که پرسیده بود: «زندگی یعنی چه؟» نوشته بود.

فالاجی پاسخ این سؤال را در نبردها، زد و خوردها، وحشیگری‌ها و مرگ در ویتنام و مکزیک جست و جو کرد.

مک لین می‌گوید: «وقتی با صحبت‌های خودمانی به تدریج با افکار و عقاید مردم مختلف از شرق آسیا، هندوستان، روسیه، اعراب تا کوه نشین‌های هیمالیا در مورد مرگ و زندگی، خوشبختی و بدبختی، غرور و تعصب، طرز فکر و غیره آشنا شدم، فقط یک موضوع برایم روشن‌تر شد و آن این بود که تا قبل از آن من خیلی بی‌اطلاع بودم» (ص ۱۳۶)

دستاوردهای این سفرها جالب توجه بود: «کم‌کم

به این نتیجه رسیدم که تمام عقاید راجع به حقیقت از نظر ارزش با هم برابرند... من با سعی در شناخت دیگران، خودم را بیش‌تر شناخته بودم. هرچه بیش‌تر می‌توانستم مشکلات خود را کنار بگذارم، به همان نسبت عشق به انسان بودن در من قوی‌تر می‌شد... بیش‌تر مردم فقط به کسب ثروت فکر می‌کنند و اصلاً توجه ندارند که در این تکاپوی بیهوده زندگی از لابه‌لای انگشتان‌شان در می‌رود. ای کاش همه می‌فهمیدند که شناخت دنیا بسیار پرارزش‌تر از اندوختن پول مثلاً برای خرید یک اتومبیل جدید است. در سفرها من خیلی تجربیات خوب و چندتایی هم غیرقابل فهم کسب کردم ولی همه‌ی آن‌ها دیدگاه مرا بسیار گسترده کرده» (ص ۱۳۸ - ۱۳۷)

تطور و تحول عقیدتی مک لین در سرتاسر فصول بعدی کتاب ملموس است و خواننده به سهولت این دگردیسی‌ها را باور می‌کند: «در واقع همیشه آگاه بودم که هنر پیشه‌ی خوبی نخواهم شد، چون من به زندگی در پشت دوربین فیلمبرداری بیش از قرار گرفتن در مقابل آن علاقه داشتم. هرچه زمان بیش‌تری می‌گذشت، من برای بیش‌تر دانستن تشنه‌تر می‌شدم. هر وقت که بیش از دو ماه در کار تهیه‌ی فیلم بودم، انگار ماشینی سر خود مرا به نزدیک‌ترین فرودگاه می‌رساند... هر چه بیش‌تر به مسائل انسانی می‌پرداختم، بیش‌تر دچار تردید می‌شدم. من نمی‌توانستم مثل بیش‌تر جهان‌گردها همه چیز را سطحی تماشا کنم و به طور عجیبی میل داشتم علت همه‌ی اتفاقات را بفهمم. هر چه بیش‌تر جست و جو می‌کردم، بیش از پیش متوجه کوتاهی عمر برای شناخت بیش‌تر زندگی می‌شدم. گاهی حتی خودم هم نمی‌توانستم خودم را درک کنم...» (ص ۱۸۱)

یکی از عمده تفاوت‌های سفرنامه‌های مک لین با نمونه‌های مشابه، پرهیز وی از تحقیر سرزمین‌های آسیایی و آفریقایی است. او در کمال احترام و واقع‌بینی از فرهنگ عامه و عادات و رسوم ملل مختلف یاد می‌کند و هرگز به برجسته کردن تمدن غرب در قبال فرهنگ شرقی مبادرت نورزیده است.

«هرچه بیش‌تر سرزمین‌های جدید خارج از امریکا را می‌دیدم، بی‌اعتباری ارزش‌های قبلی‌ام بیش‌تر برایم روشن می‌شد. به نظرم می‌رسید که تمام ارزش‌های قبلی را باید مثل بارهای سنگین بیهوده رها کنم. آموخته‌های من در کشورم در مورد رفتار بد و بی‌عدالتی حتی در شرایط مساوی هم برای دیگران چنین معنایی نداشت. در تربیت مسیحی خود آموخته بودم که دزدی، خیانت، قتل و اعمالی از این قبیل جزو گناهان بی‌چون و چرا محسوب می‌شوند ولی در خیلی از اقوام که به هر صورت به جامعه‌ی انسانی تعلق دارند، این اعمال معنی دیگری دارند و در شرایطی حتی مورد تشویق هم واقع می‌شوند. بعضی از این اقوام دارای فرهنگ‌های کهن و پیچیده‌ای نیز بودند پس من به چه حقی به خود اجازه می‌دادم که معیارهای فرهنگ ضعیف غربی خود را برای آن‌ها به حق جلوه دهم... من به نوعی غیرقابل وصف از خودم فاصله گرفتم... در این

● شرلی مک لین: در چین زنان و مردان دور هم می‌نشینند و ضمن صرف چای، در خصوص آمار پیشرفت و شاخص‌های اقتصادی بحث می‌کنند...

سفرها تمام معیارهای تفکر آمریکایی من به مرور از بین رفت...» (ص ۱۲۷)

تدقیق در مورد تضادها و تبعیض‌های نژادی و جنسی یکی دیگر از دلمشغولی‌های مک لین در سفرهای دور و درازش بوده است.

مک لین با موشکافی وافر خود در تطبیق موضوعات ذکر شده با جغرافیای فرهنگی مناطقی که به آن‌ها سفر کرده، بسیار ماهرانه نوشته است.

آفریقا: «ماسایی‌ها دخترهای خود را در سن بسیار کم ختنه می‌کنند تا فاقد تمایلات جنسی شوند... در ختنه دختران تمام افراد خانواده به تماشا می‌ایستند. ابتدا دختر قربانی را در تشتی از آب سرد می‌نشانند، بعد با سنگی تیز یا تکه‌ای شیشه در داخل آب تشت، ختنه را انجام می‌دهند تا درد کم‌تری احساس شود. تماشاچی‌ها کاملاً مراقبند که آیا دخترک قربانی در مقابل احساس درد ناله می‌کند یا خیر و اگر دخترکی نتواند درد را بدون ناله تحمل کند، از چشم همه‌ی اطرافیان خواهد افتاد.» (ص ۱۷۱)

هندوستان: «به عکاسان غیر حرفه‌ای توصیه می‌شود برای گرفتن عکس‌های جالب به کوچه‌های تنگی بروند که در آن‌ها دختر بچه‌های ده دوازده ساله را با بزک غلیظ در قفس‌هایی شبیه قفس پرنندگان می‌فروشند.» (ص ۱۹۰)

«دو دختر دوقلوی هفت ماهه دیدم که سه دفعه از سعی مادرشان برای سقط جنین جان سالم به در برده بودند و مادرشان هنگام وضع حمل مرده بود. آن‌ها از بچه‌ی نوزاد هم کوچک‌تر به نظر می‌رسیدند و جمجمه‌هایشان رشد نیافته و شبیه جمجمه‌ی میمون‌های کوچک بود... پدر آن دو قلوها حامل مفلوکی بود که شب‌ها را در کنار خیابان به سر می‌برد... وی خودش دو قلوها را جلوی در یتیم‌خانه گذاشته بود.» (ص ۱۹۷-۱۹۶)

«دختر کوچک بسیار شیرینی در آن جا بود که پدرش و مادرش اقدام به خفه کردن او کرده بودند و در حالی که هنوز زنده بوده وی را روی ریل قطار بسته بودند. اتومبیل گشت پلیس قبل از رسیدن قطار او را کشف می‌کند و به آن یتیم‌خانه می‌آورد.» (ص ۱۹۷)

فصل یازدهم یکی از ارزشمندترین فصل‌های کتاب است که مسئله‌ی تبعیض نژادی و ستم‌پذیری سیاهپوستان را با نگرشی تازه و کاملاً غیر تکراری مطرح می‌کند. گفته‌های مرد سیاهپوستی که مک لین آن‌ها

را در کتاب خود آورده به قدری حیرت‌آور و بدیع است که تصورات و پنداشت‌های خواننده را در مورد آپارتاید درهم می‌ریزد.

کتاب دوم: راهی به مقصود

شرلی مک لین در **راهی به مقصود** به تشریح دورانی از زندگی خود می‌پردازد که در اوج شهرت سینمایی، ناگهان از برج‌های طلایی هالیوود کناره‌گیری کرده و به طور جدی وارد دنیای سیاست و جمعیت‌دفاع از حقوق زنان آمریکا می‌شود. وی بعد از شکست مک گاورن در برابر ریچارد نیکسون در رأس هیأتی از زنان آمریکایی عازم چین می‌شود و در آن جا به قدری تحت تأثیر مشاهداتش قرار می‌گیرد که در خود فرو رفته و به شناخت‌های جدیدی دست می‌یابد. کتاب به وضوح به دو بخش کاملاً متفاوت با هم تقسیم شده است: «در بخش اول که ۱۱۴ صفحه‌ی ابتدایی را شامل می‌شود، مک لین را زنی سیاست‌پیشه می‌یابیم، او در ۱۴ فصل فعالیت‌های تبلیغاتی‌اش برای یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری و انتقادهایش از سیاست روز، ایالات متحده را در معرض داوری خواننده قرار می‌دهد.

مک لین در عرصه‌ی گزارش نویسی سیاسی چندان موفق نشان نمی‌دهد و از انسجام سایر نوشته‌هایش دیگر خبری نیست.

نیمه‌ی اول کتاب **راهی به مقصود** از لحاظ سبک نوشتاری بافت یکدستی ندارد. گاه به سرمقاله‌های روزنامه‌های و گاه به تحلیل‌های رسانه‌ای شبیه می‌شود. به علت این تشتت ساختاری طبعاً برخی از مضامین پر کشش کتاب نیز به هرز رفته است. در این زمینه می‌توان اشاره کرد به مشاجرات نویسنده با **مک گاورن** - رقیب انتخاباتی نیکسون - بر سر مسئله‌ی سقط جنین که با بی‌حوصلگی و بدون تحلیل عمیق نوشته شده است: موضوعی که بیش از هر مطلب دیگری مرا به فکر می‌انداخت، رفتار بی‌تجربگی او [مک گاورن] در مقابل زنان بود و چیزی که بیش از حد او را به فکر می‌انداخت، نظر زنان در مورد آزادی سقط جنین بود... فهمیدم که موضوع سقط جنین برایش خیلی پیچیده است و در این مورد نمی‌تواند صریحاً اظهار نظر کند چون خودش هم عقیده‌ی مشخصی ندارد. از این که افکار عمومی به عقیده‌ی ناستوار او در این باره پی‌ببرند، خیلی می‌ترسیدم...» (ص ۸۱-۸۰)

بخش دوم کتاب (سفرنامه‌ی چین) که مفصل‌تر و در ۱۴۳ صفحه ارائه شده زیر ساخت کاملاً متفاوتی دارد. در قیاس با نیمه‌ی اول که یکسره به سیاست می‌پردازد.

مک لین در نیمه‌ی دوم دوباره به همان جهان پر از هیجان و ماجراجویی کتاب نخستین - **بیا از کوه نیفتی** - بازگشته و گوشه‌های ناشناخته‌ی فرهنگ مردم چین را بازگو می‌کند.

آن‌ها [مقامات چینی] به من اجازه دادند به عنوان یک زن آمریکایی، در رأس هیأتی از زنان هموطنم به سرزمینشان مسافرت کنم. غیر از خودم می‌توانستم

دوازده زن دیگر را که شامل گروه فیلمبرداری نیز می‌شد، به چین ببرم... آن‌ها می‌خواستند با گروهی از زنان آمریکایی معمولی آشنا شوند... تیم فیلمبرداری کاملاً زنانه بود و هر یک از آن‌ها شخصیتی قوی و منحصر به فرد داشت... ما تصمیم داشتیم سرزمین چین را به همه‌ی افرادی که نمی‌توانستند آن جا را از نزدیک ببینند، نشان دهیم...» (ص ۱۲۲-۱۱۸)

حضور هیأتی از زنان آمریکایی در چین زمینه یکسری ماجراهای جالب و غیرمترقبه را پی می‌ریزد. نویسنده لحظه‌لحظه تلخی‌ها و شیرینی‌های سفر را گزارش می‌کند. در این میان تضاد فرهنگی بانوان آمریکایی و چینی خیلی زود رخ می‌نماید، امری که برای اعضای گروه ضمن مشکل آفرینی تا حدودی جذاب هم هست.

«در آمریکا معمولاً از زنان نمی‌خواهند خودشان را با آمار و ارقامی در مورد رشد اقتصادی، نیاز واحدهای تولیدی به ماشین آلات و مسائل تغذیه‌ی میلیون‌ها انسان مشغول کنند. زنان غربی بیش‌تر درباره‌ی مسائل شخصی بحث و گفت‌وگو می‌کنند، اما در چین زنان و مردان دور هم می‌نشینند و ضمن صرف چای، در خصوص آمار پیشرفت و شاخص‌های اقتصادی بحث می‌کنند... در سراسر چین واقعاً همه سعی داشتند از توانایی‌های زنان در انجام دادن کلیه‌ی کارها، در شرایط مساوی با مردان استفاده شود. آن‌ها در کشاورزی، صنایع سنگین، و حمل و نقل پایه‌ی مردان کار می‌کردند. زنان در مدارس درس می‌دادند (کاری که قبل از انقلاب اجازه‌ی آن را نداشتند)... و در هر انجمنی از موقعیتی بسیار مهم برخوردار بودند... چینی‌ها از موضوع نابرابری امتیاز کارآیی و بی‌عدالتی نهفته در آن به خوبی اطلاع داشتند آن‌ها معتقد بودند تساوی کامل حقوق زن و مرد مهم‌ترین هدف انقلابشان است.» (ص ۱۶۷-۱۶۶)

مک لین مناظر هول‌آور قابل توجهی از تاریخ گذشته‌ی چین و ظلمی که بر زنان این خطه اعمال می‌شده را ترسیم می‌کند:

«قبل از انقلاب در بسیاری از خانواده‌ها دختر بچه‌ها را بدو تولد می‌کشند، چون زن بودند و نمی‌شد آن‌ها را مثل حیوان بارکش به کار گرفت. هر زنی برده‌ی به تمام معنای شوهرش بود و هر از چندگاهی باید شوهرش او را به سختی کتک می‌زد، تا این موضوع فراموش نشود. زنان بیوه حق نداشتند دوباره ازدواج کنند و اگر زنی این کار را می‌کرد، سنگسار می‌شد. سنت گچ گرفتن پای نوزادان دختر، به منظور جلوگیری از رشد طبیعی پاهای باعث می‌شد اکثرأ حتا در سنین جوانی نتوانند بدون کمک دیگران راه بروند. در گذشته دردهای جسمانی و روانی قوت‌روانه‌ی زنان چینی را تشکیل می‌داد. خود آن‌ها هم تا اندازه‌ای در تداوم این سنت‌ها مقصر بودند. در واقع باید آزادی زن را جزئی از انقلاب چین دانست.» (ص ۱۶۷)

حاصل این مشاهدات، اقرار صریح نویسنده است به احساس ناآرامی که به وی دست داده:

«ما فقط گروهی از زنان طبقه‌ی متوسط آمریکایی



بودیم که هیچ وقت طعم گرسنگی و حقارت را نچشیده بودیم. هیچ یک از ما مجبور نشده بود دختر کوچکش را به عنوان فاحشه و پسرش را به عنوان برده بفروشد...» (ص ۱۶۸)

«همه‌ی ما از سادگی تساوی حقوق زن و مرد در چین متعجب شده بودیم... زنان چینی لباس‌هایی می‌پوشیدند که اسرار جنسی بدنشان را افشا نمی‌کرد. آن‌ها از لوازم آرایش و جواهر و آرایش مو استفاده نمی‌کردند... جنسیت در هیچ مورد نقشی بر عهده نداشت... در غرب زنان به سهولت درگیر رقابت با مردان می‌شوند و در این درگیری فراموش می‌کنند به توانایی‌های خود قانع باشند. به همین دلیل ما یاد گرفته بودیم در این جدال دائمی نابرابری، به مردان به چشم دشمن بنگریم، ولی چینی‌ها چنین تصویری نداشتند. وقتی با آنان در مورد جدال زنان آزادی خواه غربی سخن می‌گفتیم، آن‌ها فکر می‌کردند درباره‌ی یک گروه نظامی زنانه صحبت می‌کنیم... از دیدگاه آنان مبارزه بین جنسیت‌ها اصلاً مفهومی نداشت و نمی‌توانستند این نوع مخلصات را درک کنند. در حقیقت ما در تمام طول سفر به چین، هرگز با برخورد بین زن و مرد مواجه نشدیم.» (۲۵۱ - ۲۵۰)

«باید اذعان داشت که تمام مطالبی که ما در آمریکا درباره‌ی آزادی زن می‌گفتیم کمالاتی بیش نبودند، در حالی که چینی‌ها آن قدر در این زمینه پیشرفت داشتند که ما حتا از نظر جسمی هم دچار افسردگی شدیم.» (ص ۲۵۱)

کتاب سوم: سفر به درون

در کتاب سفر به درون مک لین دیگر یک زن پخته و

هرگز به چنین توانایی‌ها دست نمی‌یافت. کتاب شروعی محکم و قابل اعتنا دارد. نویسنده به صراحت در همان ایستگاه اول به مخاطبش تفهیم می‌کند که تعمق در درون تنها به حیطه‌ی فکر و اندیشه محدود نمی‌شود و می‌تواند دستاوردهای عملی و ثمربخش هم داشته باشد.

کم و بیش همه‌ی انسان‌ها به این نتیجه می‌رسند که پاسخ به توقعات دنیای جدید در خود آن‌ها و نه در بیرون از وجود آن‌ها قرار دارد... موضوع این کتاب نیز در همین رابطه است: «انسان باید یاد بگیرد چگونه توانایی‌های درونی خود را در جهت شناخت بیش‌تر و بهتر خود به کار گیرد... مطالب این کتاب نتیجه‌ی یک سال مسافرت در سرتاسر ایالات متحده است، سفرهایی که طی آن‌ها سمینارهایی درباره‌ی تحولات درونی انسان تشکیل دادم.» (ص ۲)

روشی که مک لین طی این سمینارها دنبال کرده، همان روش شناخته شده‌ی گروه درمانی است که روان‌شناس‌ها بنا به تشخیص متخصصان روان‌پزشک برای معالجه و بهبود بخشیدن بیماران اجرا می‌کنند. منتهی گروه درمانی‌های نویسنده بسیار پرجمعیت‌تر و فراگیرتر از روش‌های کلاسیک اجرا شده است. اعتماد به نفس مک لین در اداره‌ی این سمینار خواه و ناخواه تحسین خواننده را بر می‌انگیزد.

«از ادامه‌ی این کار هیچ وقت احساس خستگی نکردم. نیرویی که در طول یک سمینار عاید می‌شد، به قدری قوی بود که مرا تا هفته‌ی بعد سرحال و امیدوار نگه می‌داشت و هر وقت هم که احساس می‌کردم این نیرو تحلیل رفته، با امیدواری منتظر سمینار آخر هفته می‌ماندم.» (ص ۱۷)

«قبل از شروع این سمینارها نگران این موضوع بودم که برای تشکیل چنین جلساتی فاقد درجه‌ی تحصیلات دانشگاهی و یا هر گونه مجوز رسمی دیگری هستم ولی این موضوع قابل اهمیت نبود چون برای نفوذ به محدوده‌های منتهی درون رشته‌ی دانشگاهی خاصی وجود ندارد...» (ص ۱۷)

نویسنده به دور از هر گونه مصلحت‌اندیشی در جای جای کتاب به نقاط ضعف خود نیز اعتراف می‌کند. این رک گویی او سبب می‌شود تا خواننده رهنمودهای مک لین را بهتر پذیرا شود. حتماً متوجه شده‌اید که لحن نویسنده یا نویسندگان کتاب‌های روان‌شناسی بسیار آمرانه و بیرو چهار چوب‌های آکادمیک است و معمولاً مؤلفان از موضعی برتر با مخاطب برخورد می‌کنند در صورتی که در هیچ یک از صفحات سفر به درون، مخاطب حتا برای لحظه‌ای مک لین را در موضعی بالاتر از خود و در حال صدور پند و اندرز نمی‌یابد.

نویسنده بسیار بی‌ادعا با خواننده‌اش برخورد می‌کند: «شاید روش‌ها و فنونی که در طول عمرم یاد گرفته و به کار بسته‌ام، برای افرادی که چون من سعی دارند با بحران‌ها، عصبانیت‌ها، سردرگمی‌ها و فشارهای روانی مبارزه کرده و از شدت آن‌ها بکاهند، مفید باشد.» (ص ۲)

جا افتاده است. شور و اشتیاق او برای کشف ناشناخته‌های جغرافیایی کم‌رنگ و توجهش منعطف به عالم درون و خودکاوی شده است. برداشت‌های مستقیم مک لین از تعالیم مذهبی و اعتقادات باستانی راهبان تبتی، چینی و بودایی در برقراری ارتباط وی با دنیای ماوراءالطبیعه بی‌نهایت کمک کننده است. نویسنده به گواهی سفر به درون از ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین تجربیات و آموزه‌های زندگی‌اش به نحو اکمل بهره گرفته است و آن‌ها را به کار می‌بندد. او با این کتاب مخاطبانش را با روش‌های اغنای روح، تمرکز حواس، راهی از تنگناهای عاطفی زندگی و رسیدن به آرامش عصبی آشنا می‌سازد. علاقه‌مندان و پی‌گیران کتاب‌های علمی روان‌شناسی و روان‌پزشکی با مطالعه‌ی سفر به درون به راحتی در می‌یابند که چه قدر راهنمایی‌ها و راهکارهای پیشنهادی مک لین جنبه‌ی عملی، علمی، جامع و باورپذیر دارد؛ قصد تبلیغ و اغراق نیست اما سفر به درون کلکسیونی است از انواع و اقسام کتاب‌های علم روان که چندسالی است - به ویژه در ایران - با اقبال چشم‌گیری از سوی عامه روبه‌رو شده و طرفداران بی‌شماری پیدا کرده است.

مک لین با وجود آن که فاقد مدارک معتبر علمی در زمینه‌ی دانش روان‌شناسی است اما وقتی به این مباحثات می‌پردازد در قیاس با بسیاری از محققان و پزشک‌های تحصیلکرده بسیار خیره‌تر و مسلط‌تر نشان می‌دهد. بی‌شک اگر آن مسافرت‌های سخت و توان‌فرسا و پشتکار و جسارت خارق‌العاده‌اش نبوده از



ملیحه سعیدی، آهنگساز:

به کوشش: مریم مهدیقلی

عدم امنیت شغلی گریبانگیز

● ساز قانون به لحاظ تاریخی سازی ایرانیست و مبتکر آن صفی‌الدین ارموی بوده است.

● نمی‌دانم چرا با وجود تغییرهای پدید آمده همچنان از اجرای برنامه‌های موسیقی زنده یا ضبط شده هنرمندان در سیما جلوگیری می‌شود و این که چرا نمایش آلات موسیقی یا نوازندگان در حین اجرا منع شده است؟

ملیحه سعیدی، آهنگساز، محقق و نوازنده‌ی ساز قانون به سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شده است. وی فراگیری موسیقی را از کودکی آغاز کرد. پس از دوره‌ی ابتدایی تحصیلات خود را در هنرستان موسیقی ملی شروع کرد و سازهای ویلان، پیانو، قیچک و قانون را آموخت، در سال ۱۳۵۱ ضمن تحصیل در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به تحقیق و تدریس و در مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی به نواختن انواع سازهای مورد علاقه‌اش پرداخته است. او در سال ۱۳۵۶ در رشته‌ی تخصصی ساز قانون از دانشکده‌ی هنر فارغ‌التحصیل شد و با تغییر ردیف فواصل موسیقی از عربی به موسیقی ایرانی تحولی بزرگ در ساز قانون پدید آورد. این مبتکر و محقق و نوازنده‌ی گرامی رهبری ارکستر نیریز زنان و مردان را عهده‌دار شده است و

تالیفات متعددی در زمینه‌ی موسیقی به‌خصوص ساز قانون دارد.

خانم سعیدی دارای درجه‌ی کارشناسی ارشد در موسیقی است و ضمن تدریس در مراکز دولتی، در آموزشگاه نیریز مخصوص بانوان که در سال گذشته افتتاح شد، به آموزش خصوصی موسیقی می‌پردازد. از ایشان چندین نوار تک نوازی و اجرای برنامه با آواز خوانندگان مرد ضبط و در دسترس عموم قرار دارد. دنلوا، سفر عشق، یار پنهان و غوغای جان از نمونه‌های اجرای برنامه با آواز خوانندگان است. وی در حال حاضر مدیریت هنرستان موسیقی ملی (دخترانه) را بر عهده دارد.

– خانم سعیدی لطفاً کمی درباره‌ی ساز قانون و تاریخچه‌ی آن برای خوانندگان حقوق زنان توضیح بفرمایید.

– ساز قانون به لحاظ تاریخی سازی ایرانیست و مبتکر آن بنا بر کتاب کنزالتحف، صفی‌الدین ارموی بوده است که در شکل اولیه‌اش این ساز را نزهه می‌خواندند. این ساز در اندازه‌های کوچک‌تر با تغییراتی به ابتکار فارابی استاد بزرگ موسیقی ساخته شد که در طول تاریخ از نظر شکل و اندازه و نحوه‌ی کار تا به امروز تغییر و تحول زیادی داشته است و بین نوع ایرانی، ترکی، مصری و ارمنستانی آن تفاوت‌هایی وجود دارد.

– چرا فارابی را غیر ایرانی و ساز قانون را عربی می‌دانستند؟

– بعد از اسلام که موسیقی غنا حرام شد، بسیاری از سازها از جرگه‌ی موسیقی کنار رفت و طی دو قرن از موسیقی خبری نبود. در این مقطع که زبان و ادبیات عرب نیز رونق فراوانی در ایران یافت و بر زبان فارسی چیره شد، ادیبان و استادان آن زمان برای ماندگاری آثارشان ترجیح دادند. کتاب‌ها و رساله‌ها و مطالب نظم و نثر خود را به زبان عربی تدوین و تألیف کنند و افرادی چون فارابی، ابن سینا و صفی‌الدین از این جمله‌اند و درباره‌ی فارابی، عده‌ای او را عرب و عده‌ای دیگر به لحاظ کلمه‌ی ازلغ که در نسب فارابی آمده است او را ترک قلمداد کردند. ازلغ به معنای سردار بزرگ است

اما این دلایل کافی نبود و فارابی به گفته‌ی عبدالملک خشبه، بنا بر کتاب موسیقی الکبیر اهل فاریاب خراسان است و این مستشرق‌ها بودند چون بارون رودلف دلانژه فرانسوی که معتقد بود ابن سینا، فارابی و صفی‌الدین ارموی همه عرب بودند و برای او صحت مطالب جمع‌آوری شده این قدر مهم نبود که در ریشه‌یابی این مسئله شک کند و در پی تحقیق برآید و بداند که این‌ها همه ایرانی هستند.

– چرا ساز قانون کم‌تر از سازهای دیگر مورد توجه قرار گرفته است؟

– یک دلیل مهمش همان تغییر و تحول مذهبی و تاریخیست و اثر آن بر موسیقی. دیگر این که ساز قانون در اندازه‌های کاملاً بزرگ‌تر از شکل کنونی ساخته می‌شد و حمل و نقل آن مشکلاتی به وجود می‌آورد و این امور در کنار هم موجب شد که ساز قانون در کشورهای غیر ایرانی چون کشورهای عربی، ارمنستان، ترکیه مورد توجه بیشتر قرار گیرد و در ایران به فراموشی سپرده شود. چون از دید مردم و شنوایی آنان خارج شد. به طور کل از وقتی هم که سنتور در ایران استفاده‌ی فراوان پیدا کرد، ساز قانون به علت همین عدم شناخت گم شد و توجه کم‌تری بدان شد. تلاش و تحقیقاتی هم در این باره صورت نگرفته است و کار تحقیق و معرفی آن از همان شروع فعالیت من و همکاران استاد و صاحب نظر به‌طور جدی صورت گرفته است و حالا هم با توجه به عوامل موجود، این عدم شناخت و بهره‌گیری از ساز قانون که بسیار ظریف و زیبا است، در تک نوازی و اجرای گروهی آلات موسیقی حتا در یک آهنگ، بین خود دست اندرکاران موسیقی وجود دارد. بیش‌تر مردم یا قانون را نمی‌شناسند یا با سنتور اشتباه می‌گیرند.

– ساز قانون از چه نوع سازهایی است و چگونه نواخته می‌شود؟

– این ساز به دسته‌ی سازهای مضرابی تعلق دارد و من در نواختن این ساز – که تا به حال به وسیله دو انگشت از هر دست صورت می‌گرفته – تحولی ایجاد کردم و اکنون می‌توانم با ده انگشت این ساز را بنوازم. دیگران هم با تمرین و عشق و علاقه می‌توانند به این مهارت دست یابند. این ساز در کشورهای عربی آن‌چنان

● ملیحه سعیدی:

من با گوش کردن به نوارهای متعدد، ردیف موسیقی ایرانی را بر ساز پیاده کردم و این امر موجب تحولی در ردیف فواصل موسیقی از عربی به ایرانی شد.

برمندگان در عرصه‌ی موسیقی ست



صحيح و شناخت و ترویج آن در نزد هنرآموزان، دانش پژوهان و مردم علاقه‌مند به موسیقی به‌ویژه ساز قانون، مشکلات معنوی و مادی فراوانی را محتمل شدم و برای چاپ اولین جلد این کتاب از فروش مهم‌ترین و ضروری‌ترین وسایل خودمان، مثل پیانو که داشتش برای موسیقیدان حیاتی‌ست یا فروش ماشین هم، خودداری نکردیم و کتاب اول در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسید، جلد دوم و سوم که الان زیر چاپ است. کتاب دیگرم برگردان ردیف به روایت میرزا عبدالله است که به همراه نوار تدوین و آماده‌ی چاپ است و کتاب دیگری در این زمینه نوشتیم که ردیف مختص ساز قانون نام دارد.

- در زمینه‌ی ساخت آهنگ و ضبط برنامه‌ها تا چه فعالیت‌هایی داشته‌اید؟

- قطعاتی ساختم که پیش درآمد بیات ترک یا شور و چهار مضراب بوده است و این‌ها جنبه‌ی آموزشی داشته اما در کتاب دوم، قطعه‌ی شوریده دل را دارم و در تک نوازی هم نوارهایی چون دلنوا ضبط و تکثیر شده است.

در زمینه‌ی اجرا هم با آقایان مختاباد، فاضل جمشیدی، آثار سفر عشق و یار پنهان و غوغای جان ضبط و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. از طرف صدا و سیما هم برنامه‌های مختلفی از اجرای گروهی و تک‌نوازی داشتم که بیشتر برای خارج از کشور و شبکه‌ی جام جم بوده است.

- فعالیت‌های موسیقی را در سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- بعد از انقلاب موسیقی در همه‌ی رشته‌ها کم رنگ شد و گاهی به صفر رسید. اما تدریس در هنرستان موسیقی در دو بخش پسران و دختران ادامه یافت. در این دوران با توجه به تغییر دیدگاه‌ها و اجرای سیاست‌های جدید حاکم بر ارشاد و به طور کل در جامعه، خانواده‌ها کم‌تر موافق تحصیل فرزندان خود در رشته‌ی موسیقی بودند و بینش مثبتی که باعث آموزش تعداد زیادی‌تر از جوانان و علاقه‌مندان باشد و ترویج و تحولی در موسیقی پدید آورد، وجود نداشت. به ویژه در این هنر نسبت به زنان و دختران که علاقه و استعداد خود را می‌توانستند با آموزش و کار و تمرین در مراکز رسمی و دولتی و خصوصی بارور و شکوفا کنند، اصلاً برخورد خوبی نشد. به طور کل در این وضعیت به موسیقی و استادان این رشته و حتی آنان که نوازندگی تنها حرفه‌ی زندگی‌شان بود، بی‌توجهی و بی‌مهری شد.

به مرور با فعالیت‌های مثبت و سازنده‌ی استادان و صاحب نظران تغییری در دیدگاه‌ها پدید آمد و کم‌کم آموزشگاه‌های خصوصی و بخش دولتی فعالیت جدیدی را براساس قوانین موجود شروع کردند و به این ترتیب پخش موسیقی سنتی و کلاسیک خارجی در صدا و سیما هم رو به افزایش گذاشت. هرچند برنامه‌ها پربار و تخصصی و متنوع نبود اما تغییراتی از این زمان به بعد در روند آموزش و فرهنگ موسیقی در جامعه

- دستاورد این تحقیق و تلاش مداوم شما، موجب چه تغییر و تحولی بر ساز قانون شد؟
- در زمانی که استاد صفوت، استاد سه تار، ردیف‌های موسیقی را با من کار می‌کردند، متوجه این راز شدم که چه‌گونه می‌توان این تغییر و تحول را در تکنیک ساز پدید آورد. من با گوش کردن به نوارهای متعدد، ردیف موسیقی ایرانی را بر ساز پیاده کردم و این امر موجب تحولی در ردیف فواصل موسیقی از عربی به ایرانی شد. در این تغییر تکنیک، در ساخت ساز قانون هم باید تغییراتی ایجاد می‌شد که به همکاری استادان و همسرم احمد ستوده سازهای جدید با توجه به تغییرات جدید ساخته شد.

- خانم سعیدی نتایج این تحقیقات در چند سال گردآوری و به چاپ رسیده است؟

- ۲۲ سال به تحقیق و تلاش شبانه‌روزی با بهره‌گیری از تجربیات استادانی چون، استاد صفوت، فروتن، دهلوی، برومند و هرمزی پرداختم و در سال‌های اخیر در این زمینه کتاب آموزش ساز قانون را در سه جلد تألیف کردم. و برای رسیدن به هدف والای آموزش

معروف شد که کم‌تر باورش شده که این ساز ایرانی ست و نوازندگان ماهر دارد.

- خانم سعیدی در حالی که ساز تخصصی شما ویلون بود، چه‌طور به ساز قانون علاقه‌مند شدید؟

- وقتی وارد هنرستان شدم قانون انتخاب دوم من بود، در آن زمان استاد مفتاح که خود موسیقیدان و نوازنده‌ی ویلون بودند، به بغداد رفته و پس از آموزش تکنیک‌های اجرایی این ساز به عربی، آن را به ایران آورد. پس از مدتی که من با این ساز کار می‌کردم این سؤال برایم مطرح شد که چرا قانون با تکنیک عربی نواخته می‌شود، نه ایرانی؟

از این زمان با علاقه و کنجکاوی زیاد در پی یافتن پاسخ، به تحقیق درباره‌ی آن پرداختم و شاید اگر در نزد استادان این ساز به عنوان انتخاب دوم مطرح نبود، با توجه به این‌که قانون سازی مضرابی‌ست، برخلاف ویولون که سازی کششی‌ست، من زودتر به این سؤال رسیده بودم و تحقیق برای پیاده کردن تکنیک ایرانی را بر روی آن شروع می‌کردم.



● وجود کمیسیون‌های متشکل از متخصصان، محققان و صاحب‌نظران برای بررسی وضعیت موسیقی و سیاست‌گذاری‌های جدید ضرورت دارد.

● فقر فرهنگی و باور نداشتن زنان و استعدادهاشان در عرصه‌ی موسیقی، مشکل بزرگ زنان است.

پدید آمدن اما باید توجه داشت که موسیقی بیش از این‌ها احتیاج به توجه دارد.
- شما به عنوان زنی موسیقیدان و نوازنده فکر می‌کنید زنان در این رشته با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

- می‌دانیم که به لحاظ فقر فرهنگی در زمینه‌ی موسیقی و دیدگاه منفی، مشکل زنان در این مقطع چند برابر مردان است و درد بزرگ‌تر این‌هاست که حتی در میان مردانی هم که با زنان موسیقیدان به لحاظ ضرورت حرفه‌ای خود، در رشته‌های مختلف به همکاری و همراهی مجبور بودند و باید از استادان خانم دستور می‌گرفتند نیز باور نداشتن زنان و استعدادهاشان در عرصه‌ی موسیقی وجود داشت اما من با عشق و پشتکار و تعهدی که در خود حس می‌کردم با همه‌ی مشکلات به فعالیتیم ادامه دادم و معتقد بودم که با اتخاذ شیوه‌های مناسب و ارائه‌ی موسیقی سالم و جذاب با بهره‌گیری از صاحب‌نظران، متخصصان و مشاوران به لحاظ شناخت و تفکیک نوع موسیقی خوب و مبتذل و مناسب از یک طرف و همکاری و همدلی صدا و سیما در ارائه‌ی برنامه‌های روشنگرانه و سازنده و پخش موسیقی سالم و مفید و گیرا برای همه‌ی اقشار می‌توان این دیدگاه نادرست را اصلاح و گام‌های مثبت و مفیدی در این رشته از هنر و فرهنگ برداشت.

در اجرای هر برنامه سختی‌های زیادی متحمل شدیم تا به صدور مجوز رسیده و با کم‌ترین امکانات عمل کردیم اما این‌ها هیچ کدام ما را از فعالیت‌های تحقیق، تألیف و کارهای اجرایی باز نداشته است.

استقبال زنان از برنامه‌های موسیقی از بعد از انقلاب بسیار خوب بود و اولین اجرای برنامه‌ی ما تا دوازده شب ادامه داشت. وقتی آن‌ها ساعتی را در محیطی صمیمی به دور از تمام مشکلات و گرفتاری‌های خانوادگی و اجتماعی می‌گذرانند و با نوای موسیقی به آرامش و شادی روانی و جسمی دست می‌یابند، و این تغییر روحیه در زنان و دختران به عمق خانواده انتقال می‌یابد و اثرهای مثبت آن کاملاً قابل مشاهده است. اجراهای مآگاهی متوقف می‌شد و تا به حال اجراهای زیادی به مناسبت‌های مختلف در فرهنگ‌سراها از جمله بهمن، تالار وحدت، فرهنگ سرای خاوران و جاهای دیگر داشتیم.

غیر از مسئله‌ی عقیدتی و دیدگاه‌های موجود در ابعاد مذهبی و سیاسی، موسیقی در خانواده‌ها جا نیفتاده است و مردان همچنان از این‌که همسرشان یا دخترشان دارای حرفه‌ای در زمینه‌ی موسیقی به‌خصوص نوازندگی باشد، خشنود نیستند و بیش‌تر هنرآموزان و فارغ‌التحصیلان ما پس از ازدواج به کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای مجبور می‌شوند که این با وجود صرف وقت و هزینه برای آموزش و پرورش آنان از یک طرف و توقف رشد استعدادهای آنان از طرف دیگر جای تأسف دارد.

دیگر این‌که خودباوری و پشتکار زنان آندک است در شهرستان‌ها این تفاوت بین مردان و زنان بسیار است، چون آن‌ها از امکانات آموزشی کم‌تری برخوردارند و تهیه‌ی ساز نیز مشکل دیگری است که اکثراً در آن جا یا کم است و یا مراکز که در آن ساز فروخته شود، نیست. توجه مسئولان در این زمینه، در بخش دولتی و خصوصی - باید بیش‌تر شود و با بررسی همه‌جانبه‌ای به توسعه‌ی موسیقی در میان جوانان با ایجاد مدارس و امکانات آموزشی و فرهنگی و برنامه‌های متنوع و مختلف بپردازند. و مسئله‌ی جنسیت نباید مانع زنان حتی در دورترین نقاط کشور باشد. تعادل و عدالت در بهره‌گیری از امکانات دولتی اصل مهمی است که باید در نقاط محروم بیش‌تر به آن توجه شود.

- در حال حاضر فعالیت‌های هنری شما در چه بخش‌هایی متمرکز است؟
 - من همراه با تدریس و تحقیق و ضمن ساخت آهنگ و نوازندگی مسئولیت برای رهبری ارکستر نیریز، زنان و مردان را در اجراها به عهده دارم.

آموزشگاه نیریز هم در سال گذشته افتتاح شد ولی پس از این‌که ریاست هنرستان موسیقی دختران را قبول کردم، آموزشگاه بنا به قوانین وزارت ارشاد تعطیل شد! که این جای بحث دارد و باید مورد بررسی قرار گیرد. و در کنار این فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها مرتب ضبط نوار داریم، مسافرت‌هایی هم به دعوت مراکز هنری خارج از کشور یا به مناسبت‌هایی از طرف ارشاد یا مراکز دیگر داخلی به خارج از کشور داشته و دارم که همیشه با استقبال ایرانیان خارج از کشور مواجه بوده‌ام.

نکته‌ی قابل ذکر این است که با وجود تغییرهای پدید آمده همچنان از اجرای برنامه‌های موسیقی زنده یا ضبط شده‌ی هنرمندان در سیما جلوگیری می‌شود ضمناً نمی‌دانم چرا نمایش آلات موسیقی یا نوازندگان در حین اجرا منع شده است؟

- برای حل این مشکلات، انسجام، تغییر و تحول اساسی چه پیشنهاداتی دارید؟

- وجود کمیسیون‌هایی متشکل از متخصصان، محققان و صاحب‌نظران برای بررسی وضعیت موسیقی در گذشته و حال برای طرح برنامه‌های علمی و اجرایی و سیاست‌گذاری‌های جدید ضرورت دارد و تشکیل صنف و اتحادیه‌ی خاص موسیقیدان‌ها از طرف مسئولان و همه‌ی فعالان در این رشته می‌تواند به وضع ناسامان آنان و موسیقی در همه‌ی ابعاد در جامعه‌ی ما نظم دهد و ساماندهی مثبتی در این باره ایجاد کند.

باید این هیأت‌ها بر تولید، تألیف و اجرا، نظارت علمی، تخصصی هم داشته باشد - مثلاً در چاپ یک کتاب باید در استفاده از علائم موسیقی اتفاق نظر باشد و علائم صورت بین‌المللی باید تا موسیقی اصیل و سنتی ما قابل شناخت و فهم اساتید جهان باشد و در بیرون از کشور این آثار مورد بررسی و اجرا قرار گیرد.

کتاب‌های ما مفایر با اصول و علائم بین‌المللی موسیقی تدوین و تألیف می‌شود. این کمیسیون‌ها، هیأت‌ها و صنف می‌توانند، سمت و سوی راه پیشرفت

موسیقی ما را تعیین کنند و سرعت دهند.

- پژوهش در زمینه موسیقی را چه گونه ارزیابی می‌کنید؟

- اصولاً برخورد علمی با موسیقی در حد صفر بوده است و موسیقی به عنوان شاخه‌ای از علوم مطرح نبوده است. همیشه به عنوان رشته‌ای هنری، آن هم به گونه‌ی غیر علمی قابل توجه بوده است. من معتقدم این دیدگاه درباره‌ی موسیقی باید به‌وسیله‌ی آموزش و پرورش در ابتدا و بعد هم دانشگاه‌ها و مراکز هنر و فرهنگ در فرزندانمان ایجاد شود و جایگاه واقعی موسیقی و موسیقیدان روشن شود. همان‌طور که طی سالیان بعد از انقلاب با کم‌ترین امکانات مکتوبی و مادی به کمک جمعی از استادان در این راه قدم‌های مثبتی برداشتم، باید همه‌ی رشته‌های موسیقی در مدارس، هنرستان و دانشگاه به شیوه‌ی پژوهشی و علمی تدریس و آموزش داده شود و طی تمرین و کارهای اجرایی به طور مستقیم جوانان و هنرآموزان را در برنامه‌ها مشارکت مستقیم دهند ضمناً باید کتاب‌هایی مفید و مستند به تاریخ و فنون خاص این رشته همراه معرفی نامه‌ای از هنرمندان، مؤلفان و اجرای برنامه‌ها تولید و در دسترس هنرآموزان، دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان قرار گیرد.

زمینه‌ی پژوهش بسیار گسترده است. استادان متخصص و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان براساس نیاز هر قسمت می‌توانند درباره‌ی موسیقی پژوهش کنند و با تعیین برنامه‌های مدون و بودجه‌ی معین مراکز و سازمان‌های علمی، فرهنگی و هنری با حمایت‌های لازم بدین امر مهم بپردازند. منابع کمی در حال حاضر در دسترس محققان و علاقه‌مندان در این رشته قرار دارد، که باید برای شناخت این منابع فعالیت جدی و گسترده‌ای صورت گیرد و مطلب تنظیم و گردآوری شده، به‌وسیله‌ی بانک اطلاعاتی عرضه شود.

- وزارت ارشاد و صدا و سیما در توسعه‌ی موسیقی چه نقشی دارند؟

- این دو مرکز مهم می‌توانند با وجود امکانات و برخورداری از حمایت‌های مستقیم دولتی و غیر دولتی در معرفی استادان موسیقی، ایجاد مراکز آموزشی و تولید آلات موسیقی و بالا بردن سطح شناخت، آموزش، ترویج و توسعه‌ی موسیقی نقشی فراگیر داشته باشند. صدا و سیما هم با استفاده از نظرهای متخصصان و صاحب نظران می‌تواند در ارائه‌ی برنامه‌ها نوع گرایشی و تنوع‌طلبی داشته باشد. ما می‌بینیم که مردم خیلی از سازها را با این‌که ایرانی‌ست، نمی‌شناسند. برای مثال در هنرستان ما با این عدم شناخت مردم نسبت به سازهای ایرانی مشکل داریم و خانواده‌ها در انتخاب ساز برای فرزندانمان فقط بر روی سازهای شناخته شده چون پیانو، تار، سنتور و سه تار و ویلن اصرار دارند.

نمایش سازها و معرفی آن در برنامه‌های سیما می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد. ارائه‌ی برنامه‌های متناسب هر سن و اجرای خوب و متنوع موسیقی موجب جذب جوانان به موسیقی ایرانی می‌شود و از جذب آنان به موسیقی مبتذل یا غربی جلوگیری می‌کند. مسئله‌ی تهاجم فرهنگی را باید با عمل در تهیه و ارائه

و اجرای مفید و خوب از موسیقی حل کرد و توسط مطبوعات و صدا و سیما از موسیقی سنتی و جوان پسند نگرشی درست به اجتماع داده شود. متولیان امر و استادان باید برای جوانان، کودکان و بزرگسالان حد و مرزی در شیوه و شناخت و اجراها قائل شوند و موجب زدگی آنان و کسالت روحی و در نتیجه بی‌تفاوتی و انزجار آن‌ها از فرهنگ و موسیقی کشورشان نشوند تا از گسترش موسیقی غربی نامطلوب و مبتذل جلوگیری شود.

- در عرصه‌ی موسیقی هنرمندان و موسیقی‌دانان و نوازندگان و به طور کل دست‌اندر کاران موسیقی از چه حمایت‌هایی برخوردارند؟

- کارشناسان موسیقی و کارمندان رسمی طبق قوانین و مقررات وزارت ارشاد و صدا و سیما همچون دیگر کارمندان رسمی دولت، از شرایط و ضوابط سازمانی برخوردارند، مثل تسهیلات بیمه، بازنشستگی و وام‌های رفاهی و گاهی مسکن و هیچ فرقی با دیگر کارمندان ندارند. اما هنرمندان غیررسمی و آن دسته از افرادی که آزاد کار می‌کنند و به این رشته‌ی هنری به عنوان حرفه نگریسته‌اند، چون از حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی برخوردار نیستند، دچار مشکلات فراوانی می‌شوند و گاه برای بهبود وضعیت خود چند شغله شده‌اند و به این ترتیب از تلاش آنان در موسیقی به شدت کاسته می‌شود، این موضوع موجب افت و سکون تولیدات هنری این رشته می‌شود. احساس ناامنی و دغدغه‌ی خاطر هنرمندان زحمت‌کش، برای دوران بازنشستگی و از کار افتادگی معضل بزرگی است برای آنان. من و همکارانم نیز در حال حاضر در دوران بازنشستگی به غیر از همان حقوق و مزایای تعیین شده از حمایت‌های دیگری به لحاظ اقتصادی و فرهنگی برخوردار نیستیم. مهم‌ترین‌ها که هنرمندان در این رشته همان طور که گفتم دارای صنف هم نیستند که از تشکیلی منسجم و قانونمند بهره‌گیرند و از حمایت‌های صنفی مثل دیگر رشته‌ها و حرفه‌ها



برخوردار باشند. تشکیل صنف و تجمع هنرمندان می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات آنان باشد.

آسایش فکری و احساس امنیت و اطمینان همه جانبه، مهم‌ترین عامل تحول و توسعه در فرهنگ و هنر است. عدم امنیت شغلی اینک گریبانگیر هنرمندان در عرصه‌ی موسیقی‌ست. این موضوع موجب آشفتگی، کندی روند پیشرفت‌ها و حتا در بعضی موارد سوء استفاده‌های نابه‌جا به لحاظ تولید محصولات خاص این عرصه و اجحاف در حق سازندگان و نوازندگان موسیقی شده است. باز می‌گویم ضرورت وجود صنف روزبه‌روز بیش‌تر شده و مسئولان باید به کمک صاحبان فن در عرصه‌ی موسیقی به آن به طور خاص توجه کنند تا رفع مشکل شود. □



کارگاه

داستان

نویسی

آموزش داستان نویسی

تئوری داستان کوتاه

زمان و مکان آن در

فضای سررسمی

داستان‌های ایران و جهان

مدرس شیوا ارسطویی

تلفن: ۲۲۳۴۱۶۰

خدمات موسیقی

دائی جان

خرید، فروش و تعمیر

انواع سازهای

سنتی و کلاسیک

نشانی: خیابان کاج

بالا تر از میدان گل‌سها

تلفن: ۸۰۲۲۸۸۹

جایی برای زنان

برگردان: علی پورمند

بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی بر نقش زنان در فعالیت‌های سازمان‌های صلیب سرخ جهانی و هلال احمر تأکید فراوان دارند، حال باید پرسید چنین دیدگاه‌هایی تا چه اندازه توانسته‌اند پای به عرصه‌ی عمل و واقعیت گذارند؟

کارتناز آگنون مددکار اجتماعی‌ست، اهل قبیله توتسی و از روستایی در نزدیکی کیگالی در رواندا. او اکنون ۳۰ ساله است. ماه می گذشته هنگامی که روستا را ترک کرده بود، سربازان هوتو به روستایش حمله کردند، همسرش را تا حد مرگ کتک زدند، پدر و برادرانش را شلاق زدند و پیش از آن که آنان را گلوله باران کنند، با قمه بدن‌هایشان را قطعه قطعه کردند و چهار تن از فرزندان را به اسارت بردند. پس از پایان جنگ، قبر کودکانش را در نزدیکی خانه درون گودال کم عمقی یافت و بدن‌هایشان را از لباس‌هایی که بر تن داشتند باز شناخت.

کارتناز آگنون از دو فرزندش که زنده ماندند، مادر و عمویش که در شرایط روانی بسیار بدی به سر می‌برند، نگهداری می‌کند. از آن جایی که تنها نان‌آور خانه است، باید علاوه بر تأمین غذا و آب آشامیدنی، با مشکلات بهداشت و سلامت خانواده دست و پنجه نرم کند و راه‌هایی برای تضمین آینده‌ی درآمد خانواده بیابد. او در دنیایی زندگی می‌کند که همه‌ی کمک‌های انسانی در حد وسیع توسط مردان مهار می‌شود و در این میان به ندرت نیازهای زنانی چون او مورد توجه قرار می‌گیرد. البته کارتناز استثناء نیست. طبق برآورد سازمان رسیدگی به امور پناهندگان سازمان ملل متحد، حدود ۲۳ میلیون پناهنده که بیش از ۸۰ درصد آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، در خارج از کشور خود زندگی می‌کنند. کارتناز در میان زنان مهاجر شرایط بهتری دارد چرا که مورد تجاوز قرار نگرفته است. بی‌شک مسئله‌ی تجاوز به زنان در زمان جنگ تازگی ندارد. ده‌ها هزار زن و دختر در ماجرای پاکسازی نژادی در یوگسلاوی سابق مورد تجاوز قرار گرفتند. هزاران زن سومالیایی، که برای گریز از جنگ به کنیا گریختند، به وسیله‌ی محافظان اردوگاه‌های پناهندگان و شبه نظامیان مورد حمله و تجاوز قرار گرفتند. بدون تردید خشونت جنسی تنها یکی از جنبه‌های صدمه‌پذیری زنان در هنگام برخوردهای خشن میان گروه‌ها و کشورهاست. به گفته‌ی یوجینیا پیزا - لوپز

جنگ‌های امروزی در میدان‌های متعارف نبرد به وقوع نمی‌پیوندند بلکه در درون خانه‌ها و روستاهای مردم عامی در جریان هستند. و در این میان زنان به شکل روزافزون فشارها و رنج‌هایی را متحمل می‌شوند که خود عملاً نقشی در پدید آمدنشان نداشته‌اند. نمی‌توان انکار کرد که امنیت برای زنانی که تنها حامیان خانواده‌هایشان هستند، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. طبق گزارش مددکاری در آنگولا هر هفته بیش از ۵۰ مادر توسط مین‌های زمینی و یا تبادل آتش کشته می‌شوند. قوانین بین‌المللی برای محافظت از زنان وضع شده‌اند، از جمله کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های اضافه شده به آن در ۱۹۷۷ که در آن بر لزوم محافظت از زنان در هنگام درگیری‌های مسلحانه تأکید فراوان شده است، اما به اعتقاد ماری تیرسی دالتی آنچه مورد نیاز است قوانین جدید نیست بلکه احترام عملی به قوانین موجود است.

در ژوئن ۱۹۹۳، کنفرانس جهانی سازمان ملل درباره حقوق بشر، در اعلامیه وین چنین نتیجه‌گیری کرد که حقوق انسانی برابر برای زنان باید سرلوحه‌ی عملکرد تمامی دولت‌ها قرار گیرد و در همین راستا فعالیت‌های گوناگونی در عرصه‌های مختلف صورت گرفته است تا نیازهای ضروری زنان، کودکان و کهنسالان در نظر گرفته شود.

سازمان رسیدگی به امور پناهندگان و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ جهانی^۱ تنها برخی از سازمان‌های بین‌المللی هستند که در عرصه‌ی نظریه و سیاست‌گذاری کلان بر ضرورت محافظت و مراقبت از حقوق انسانی زنان تأکید بسیار دارند. اما واقعیت این است که فاصله‌ی زیادی میان آن چه بر کاغذ نقش می‌بندد و آن چه زنان در زندگی روزمره‌ی خویش تجربه می‌کنند، وجود دارد. زنان همچنان به شدت صدمه‌پذیرند و در بسیاری از نقاط جهان به نیازها، توانایی‌ها، تجربه‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی آنان

بی‌توجهی می‌شود.

زنان در عرصه‌ی عمل

پس از پایان جنگ فرانسه - پروس در سال ۱۸۷۱، تعدادی از جراحان و پزشکانی که به نمایندگی از صلیب سرخ به مراقبت از زخمیان می‌پرداختند در همه‌پرسی که موضوع آن نقش زنان در جنگ بود، شرکت کردند. در این همه‌پرسی نقش پرستاران آموزش دیده بسیار مؤثر برآورد شد. اگرچه پیش از آن نیز با وجود شخصیت‌هایی چون فلورانس نایتینگل، الگانتین جب و کلارابارتون قابلیت‌های فوق‌العاده‌ی زنان در امور پزشکی و پرستاری به خوبی شناخته شده بود، مردانی که در آن زمان در زمینه‌ی پزشکی فعالیت می‌کردند، اساساً درباره‌ی مؤثر بودن حضور زنان دچار تردید بودند. از نگاه آنان این زنان بی‌تجربه که داوطلبانه و به واسطه‌ی انگیزه‌های غریزی انسان‌دوستانه قدم به میدان نبرد گذارده بودند بسیار سرکش و خودسرانه عمل می‌کردند. اما نتیجه‌ی مبارزه‌ای که این پزشکان علیه پرستاران زن آغاز کرده بودند، از ابتدا مشخص بود زیرا این زنان برای ماندن آمده بودند و به آنچه انجام می‌دادند ایمان داشتند.

هنری دانانت خود درباره‌ی تأثیرگذاری زنان به عنوان عامل اساسی رشد انسانیت سخن‌ها گفت. وی معتقد بود نقش زنان با گذشت زمان بسیار ارزشمندتر از گذشته خواهد بود.

سال‌های اولیه‌ی قرن ۲۰ انسجام موقعیت زنان در جوامع تازه تأسیس صلیب سرخ جهانی مشاهده می‌شد. این مسئله خصوصاً در کشورهای ژاپن و شوروی که به دستور ملکه، برای زنان لباس‌های مخصوص هم شکل صلیب سرخ، طراحی شده بود، قابل مشاهده است.



با وجود این گونه فعالیت‌ها تا مدت‌ها به نقش زنان در امور بشر دوستانه توجه کافی نمی‌شد تا این که سازمان ملل متحد، سال ۱۹۷۵ را سال زنان نامید و از دولت‌ها دعوت کرد که موقعیت زنان را در اموری چون برابری حقوق، رشد همه جانبه و صلح بهبود بخشند. به همین ترتیب در سال‌های اخیر بحث درباره‌ی مسائل زنان شتاب بیش‌تری یافته است. خصوصاً در سازمان‌های بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، پس از دهه‌ی نود موقعیت زنان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است و به طور گسترده‌ای پیگیری می‌شود.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در ابتدا سازمانی سوئیس و در نتیجه اساساً بی‌طرف بود و همواره از آن به عنوان مؤسسه‌ای محافظه کار یاد می‌شد. و این خود برگرفته از روحیه‌ی ملت سوئیس بود که تنها در سال ۱۹۷۱ حق رای را برای زنان قائل شدند. در سال ۱۹۸۷، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی با آگاهی از این حقیقت که تا آن لحظه همواره در تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم توان اجرایی به شدت از اراده‌ی مردان تأثیر پذیرفته است و با آگاهی از این که می‌توان از مشارکت زنان نیز برای پیشبرد هرچه بهتر اهداف سازمان بهره جست، تصمیم گرفت عملکرد سازمان را مورد بررسی قرار دهد.

در همین راستا از خانم **رنی کیسان**، یکی از اعضای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی خواسته شد با بهره‌گیری از منابع موجود به جست‌وجوی نشانه‌های فعالیت‌های زنان در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در سه دهه‌ی اخیر بپردازد.

ماربون هاروف تاول، قائم مقام نماینده‌ی دبیر کل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در اروپای شرقی در آسیا، درباره نتیجه بررسی‌های انجام شده می‌گوید: «در پایان تصویر چندان دلگرم‌کننده‌ای از

مشارکت زنان در این سازمان نیافتیم چرا که مشخصاً مردان در شرایط نامساعد برای زنان، بهتر ظاهر می‌شدند. همه‌ی هشت موقعیت حرفه‌ای برتر سازمان در اختیار مردان بود و هیچ زنی هرگز به مقام ریاست سازمان دست نیافت و تمامی مسئولیت‌های حیاتی خصوصاً آن‌هایی که مربوط به امور اجرایی می‌شدند، بر عهده‌ی مردان گذاشته می‌شد.

در پایان هنگامی که همه‌ی پاسخ‌ها جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد، **خانم گیزان** ۲۵ پیشنهاد ارائه داد تا زمینه‌ی مشارکت بیش‌تر زنان در سطوح مختلف فراهم شود اما مشکلات دیگری نیز وجود داشتند که به آسانی قابل حل نمی‌بودند. در این باره **ریموند شوچ** از اداره‌ی منابع انسانی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی می‌گوید: «برای زنانی که ناگزیر از نگهداری کودکانشان هستند، موفقیت در مشغلی چون وکالت که نیازمند حضور ذهن زیادی‌ست و مشکلات شغلی فراوانی را به همراه دارد، چندان ساده نیست. در شمارش پایانی بررسی‌های انجام شده تنها ۱٪ از ۸۶۳ نفر از تعداد کل وکلان بودند و از ۲۹ مرتبه شغلی بالا در زو، تنها دو موقعیت در اختیار زنان بود.»

اما در حال حاضر ۲۵۰ نفری که در اداره‌ی مرکزی فعالیت می‌کنند، از ۵۱ کشور مختلف جهان هستند و گرایش‌های سنتی فدراسیون که در ۱۹۲۹ تشکیل شد، تأثیر چندانی بر سیاست‌های کنونی آن نداشته است. در ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل از مؤسسه‌ی هنری **رونات** و دبیرخانه‌ی فدراسیون خواست تا نقش زنان در جنبش را ارزشیابی کنند و در این راستا طرح اجرایی در نظر گرفته شد تا بتوان روح علاقه به مشارکت بیش‌تر زنان را در سازمان دمید و به طور همزمان بر تعداد زنان در مراتب اجرایی بالاتر فدراسیون افزود.

در حال حاضر واحدی به نام زنان و توسعه به طور سیستماتیک در حال فعالیت است تا عرصه‌ی حضور و مشارکت هرچه بیش‌تر زنان را در برنامه‌ریزی‌های آینده فراهم کند. با وجود همه‌ی این حرکات **فراکول گوف**، عضو هیئت رئیسه‌ی دایره‌ی اروپایی فدراسیون، می‌گوید: «این مسئله که زنان باید در سطح گسترده‌تری ظاهر شوند پذیرفته شده اما هنوز بخش بزرگی از آن در سطح نظریه باقی مانده است.»

این عقیده ممکن است اندکی بدبینانه باشد چرا که حداقل در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی و فدراسیون نشانه‌هایی از حرکت پیش‌رونده‌ی زنان به سطوح میانی و بالاتر دیده می‌شود. اما این که این حرکت تا چه حد در تمامی جنبش گسترش یافته است به عوامل متعدد فرهنگی و مجامع ملی منفرد بستگی دارد.

سوزانا کارینگ هام اهل ایرلند است. او پیش از این معلم بوده است و از بنیان‌گذاران صلیب سرخ جدید **آلبانی** به شمار می‌آید. وی می‌گوید: «در اینجا زنان نقش بسیار حیاتی در بسیاری از سازمان‌های پزشکی و اجتماعی بازی می‌کنند. رییس صلیب سرخ

جدید آلبانی زن است و زنان که اکثر آن‌ها بین ۲۵ تا ۳۰ سال سن دارند، بیش از مردان مسئولیت اداره‌ی بخش‌های مختلف را بر عهده می‌گیرند. هرچند سوزانا در مسائل شغلی خود با مشکلی اساسی روبه‌رو نیست اما زندگی شخصی‌اش به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته است. او به خوبی می‌داند که شغلش هیچ‌گونه همخوانی با زندگی خانوادگی‌اش ندارد و این که او به زودی صاحب فرزندانی خواهد شد.

آمار دقیق از جمله ارزشیابی که در سال ۱۹۹۰ انجام شد، نشان می‌دهد که در مجامع ملی آفریقایی، تنها ۱٪ زنان مدیریت را بر عهده دارند و در حالی که در جنبش تعداد زنان و مردان به سختی با هم برابری می‌کند، تنها ۱٪ از مسئولان اجرایی و ۱٪ از دبیر کل‌ها و رؤسا را زنان تشکیل می‌دهند. در خاورمیانه و آفریقای شمالی از ۳۴ موقعیت شغلی بالا، ۳۰ موقعیت در اختیار مردان است.

آینده چگونه خواهد بود؟

در دنیای ارزش‌های انسانی، زنان در حرکت و تکاپو هستند. یکی از دلایلی که کنفرانس ۱۹۹۲ سازمان ملل درباره‌ی حقوق بشر مثبت ارزیابی شد، حضور بسیار گسترده‌ی زنان در وین بود.

این زنان، از شهرهای آشوب زده آمریکای جنوبی، تا فقیرترین روستاهای جنوب آفریقا، آمده بودند تا شاهد فعالیت‌های دیگر زنان باشند. آنان تنها برای طرح مسائل سنتی حقوق بشر گردم نیامدند بلکه آمدند تا با مسائلی چون تعلیم و تربیت، بهداشت و چگونگی مقابله با شرایط بحرانی آشنا شوند. آن‌ها وین را در حالی ترک کردند که دوستان زیادی یافته بودند و روابط مستحکمی با دیگران داشتند. بسیاری از آن‌ها وین را با امید فراوان ترک کردند.

در جهان رو به گسترش کنونی تعداد زنان برجسته و ثابت قدم اندک نیست. زنانی که شجاعت برداشتن قدم‌های غیر متعارف را در خود می‌بینند. در تبت، راهبه‌ها از جمله برجسته‌ترین مخالفان طرح اشغال تبت توسط چین هستند. در ترکیه زنان روزنامه‌نگار از جمله فعالان مؤثر در امر به رسمیت شناخته شدن فرهنگ و زبان کردی به شمار می‌آیند...

در سطوح بین‌المللی به کمک سازمان‌هایی چون سازمان مراقبت از **گودکان**، کمیته مبارزه با قحطی آکسفام و سازمان رسیدگی به امور پناهندگان زنان رشد قابل توجهی یافته‌اند هرچند این امر همواره در همایش‌ها بیش از عرصه‌ی عمل بوده است.

با وجود نقاط روشنی که مشاهده می‌شود، نشانه‌هایی از سخت‌تر شدن شرایط در آینده وجود دارد. آماري که اخیراً توسط سازمان بهداشت جهانی منتشر شده است، بیانگر آن است که تا سال ۲۰۰۰ بیش از ۱۳ میلیون زن به ویروس HIV مبتلا خواهند بود. به اعتقاد **رشیم آهلوالبیا**، مشاور ارشد بخش زنان و توسعه‌ی فدراسیون، در هر سال مهاجرت از **بقيه در صفحه‌ی ۶۵**

● در حال حاضر بیش تر از ۳۰۰ خانهای امن زنان در آلمان وجود دارد.

● این که زنان به پلیس گزارش کنند یا خیر، بسته به روابط مجرم و قربانی دارد. این وضعیت اغلب به دلیل شرم و این تصور که «واقعاً یک امر خصوصی است و پلیس به هر حال نمی تواند کاری بکند» تحت الشعاع قرار می گیرد.

برگردان: لیلا عنصری

خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر

معاشرت های اجتماعی قربانی صورت می گیرد. با در نظر گرفتن تعداد بی شماری از موارد گزارش نشده، کارشناسان تخمین می زنند که هر ساله بیش از صد هزار مورد آزار جنسی علیه کودکان صورت می گیرد که ۷ درصد مجرمان از آشنایان کودک هستند و تقریباً $\frac{3}{4}$ قربانیان دختر بچه ها هستند. بررسی های علمی ثابت کرده است که خشونت علیه زنان و کودکان در همه ی طبقات اجتماعی و تمام گروه های سنی اتفاق می افتد و قربانیان اغلب برای سال ها مورد سوء استفاده قرار می گیرند.

بیش از بیست سال است که دولت فدرال آلمان موضوع خشونت علیه زنان را مورد توجه قرار داده است. وزارت امور خانواده، بازنشستگان، زنان و جوانان براساس بررسی ها و طرح های آزمایشی، به وضوح اشکال، پیشینه و علل خشونت علیه زنان را روشن ساخته، به آزمایش راه حل های علمی برای کمک و حمایت از زنان خشونت دیده پرداخته اند و اصلاحیه های قانونی متعددی را به نفع زنان به مرحله ی اجرا در آورده اند. به علاوه، شبکه ی مؤسسات خصوصی و دولتی برای حمایت و کمک به دختران و زنان قربانی خشونت به طور مداوم گسترش یافته اند. به عنوان بخشی از آگاهی در حال رشد نسبت به مشکلات زنان خشونت دیده، توسط شریک زندگی یا شوهر، اولین خانهای امن زنان در سال ۱۹۷۶ در برلین تأسیس شد.

وزارت امور زنان به عنوان طرح های آزمایشی، این خانهای امن و خانهای امن دیگری را در نندز برگ^۱ متناسب با موقعیت مناطق روستایی تأسیس کرد. در سال ۱۹۹۱ دولت فدرال به عنوان بخشی از برنامه های ویژه ی حمایتی، برای تأمین سرمایه ی لازم مورد نیاز

خشونت یکی از جدی ترین اشکال نقض حقوق بشر و مسبب بادوام ترین نقض حقوق شخصی و پایمال شدن ارزش شأن انسانی زنان است. نوشته ی زیر گزارشی از وزارت امور خانواده، بازنشستگان، زنان و جوانان کشور فدرال آلمان درباره ی خشونت علیه زنان است.

خشونت علیه زنان دارای ابعاد وسیعی است. این معضل تنها به تعرض نسبت به تمامیت جسمانی و روانی محدود نمی شود بلکه عمدتاً اشکال ظریف اعمال خشونت را نیز شامل می شود که از طریق الگوهای رفتاری نیازها، آسایش روانی - جسمانی زنان را نادیده می گیرند. خشونت علیه زنان از آزار رایج در خیابان ها و محل کار تا شکل های مختلف بی احترامی، تحقیر زن به صورت یک شیء، سوء رفتار و مزاحمت جنسی در داخل و خارج خانواده، خشونت در روابط زناشویی، تجاوز، خرید و فروش زنان خارجی، فحشای اجباری و قتل را در بر می گیرد.

تنها به دلیل این که خشونت و اجبار (جنسی) را گزارش نمی کنند، نمی توان هیچ آمار معتبری حاکی از گستره ی حقیقی خشونت علیه زنان در تمامی ابعاد آن را بیان کرد.

با وجود این، مطالعات نشان داده است که به نسبت اماکن عمومی، خشونت علیه زنان در محیط های خصوصی بسیار فراوان تر اتفاق می افتد. مطابق نظر سنجی ها، $\frac{1}{3}$ زنان، خشونت شریک زندگی خود را تجربه کرده اند. بنابراین به نسبت دیگر جرم های خشونت آمیز مانند صدمه ی جسمی با اسلحه، سرقت در شب و دزدی، زنان بیش تر در معرض خشونت جنسی قرار دارند. تقریباً $\frac{3}{4}$ جرایم مربوط به خشونت جنسی در

خانه‌های امن زنان، بودجه‌ای بالغ بر ۱/۲ میلیون مارک آلمان منظور کرد.

در حال حاضر بیش‌تر از ۳۰۰ خانه‌ی امن زنان در آلمان وجود دارد که بیش از صد خانه در فدرال جدید Länder قرار دارند.

مطابق برآوردها، هر ساله بیش از چهل هزار زن به دنبال پناهگاه هستند و گاهی این جست‌وجو در شرایطی صورت می‌گیرد که فرزندان نیز به همراه مادرند. مراکز مشاوره‌ی زنان خشونت دیده در زیر مجموعه‌ی بسیاری از این خانه‌های امن قرار دارند. به علاوه مراکز مشاوره‌ی عمومی نیز به کمک‌رسانی به زنان آزار دیده می‌پردازند. برای کمک به زنان قربانی خشونت، تقریباً تعداد ۲۵۰ خطوط تلفنی اضطراری در شهرهای بزرگ وجود دارد.

با توجه به این حقیقت که بسیاری از زنان در محیط‌های خصوصی قربانی خشونت می‌شوند، یعنی از آزار شوهر یا شریک زندگی خود رنج می‌برند؛ وزارت امور خانواده، بازنشستگان، زنان و جوانان طرح‌های آزمایشی ویژه‌ای را اجرا می‌کنند که نه تنها قربانیان بلکه مردان مجرم نیز مؤثر توجه و بررسی قرار می‌گیرند. این امر به خصوص به این دلیل است که بسیاری از زنان با وجود آزار از سوی شریک زندگی یا شوهر، بازهم برای زندگی به سوی او باز می‌گردند.

زنانی که مرتب مورد آزار جنسی، اجبار جنسی یا تجاوز قرار گرفته‌اند، اغلب محدودیت‌های خاصی برای گزارش دادن جرم دارند. غالباً آنان از نظر باور و پذیرش سخنانشان با مشکل فراوانی روبرو بوده و به همین دلیل است که پلیس و دادستان از وسعت دامنه‌ی موارد تجاوز یا اجبار جنسی بی‌اطلاع هستند. مطابق آمارهای جنایی اداره‌ی پلیس، در سال ۱۹۹۶ در کل سرزمین آلمان ۱۲۳۸۷ زن قربانی اجبار جنسی بودند که ۶۲۴۶ مورد از آنان را قربانیان تجاوز تشکیل می‌دادند. این که زنان به پلیس گزارش کنند یا خیر، بسته به روابط مجرم و قربانی دارد. این وضعیت اغلب به دلیل شرم و این تصور که «واقعاً یک امر خصوصی است و پلیس به هر حال نمی‌تواند کاری بکند» تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

بنابراین آموزش پلیس و کادر قضایی مسئول در جریان بازجویی و رسیدگی در دادگاه‌ها امری مهم است تا با قربانیان جرائم خشونت‌آمیز کاملاً حساب شده و مناسب با وضعیت وی رفتار کنند. باید رفتار حقارت‌آمیز با زنان در هنگام گزارش دادن جرم و در حین مراحل دادگاهی علیه مجرم کنار گذاشته شود. بدین منظور دولت فدرال اقدامات سازمانی و قانونی بسیاری را صورت داده است.

برای مثال در تمام کشور اداره‌های ویژه‌ای تأسیس و تجهیز شده‌اند که در آن دادستان‌های ویژه‌ای برای پیگیری جرائمی از قبیل اجبار به رابطه‌ی جنسی بدون میل باطنی، دوره‌های آموزشی

● خرید و فروش زنان در نتیجه‌ی قاچاق سازمان یافته و بین‌المللی انسان‌ها با عنوان ازدواج تجارتي مشکل جدی در آلمان محسوب می‌شود.

مخصوصی را گذرانده‌اند. به علاوه عموماً با بررسی‌ها از قربانیان خشونت جنسی را پلیس‌های زن انجام می‌دهند.

برای مأمورین زن و مرد پلیس از سوی وزارت امور خانواده، بازنشستگان، زنان و جوانان برگزاری دوره‌های مداوم آموزش ویژه در مورد مسئله‌ی خشونت علیه زنان افزایش یافته است.

این اقدامات، مقدمه‌ای لازم و ضروری برای اجرای قانون «بهبود حمایت از قربانیان» محسوب می‌شود. دولت فدرال با وضع این قانون در سال ۱۹۸۷ موقعیت زنان قربانی خشونت را در دادخواهی‌های کیفری علیه مجرم به طور قابل توجهی تقویت کرده است.

افزون بر این اقدامات، به منظور افزایش حمایت از زنان در مقابل خشونت و استثمار جنسی در سال‌های اخیر تغییرات مهمی در قانون کیفری و قانون کار صورت گرفته است.

اصلاحیه‌ی ماده‌ی ۱۷۷ قانون جزا در پنجم جولای ۱۹۹۷ به مرحله‌ی اجرا درآمد و طبق آن خشونت در روابط زناشویی جرمی مستحق مجازات محسوب شد. در قانون قبل تجاوز تنها در خارج از محدوده‌ی زناشویی جرم محسوب می‌شد و مجازات آن زندان یا طول مدت معمولاً بیش از دو سال بود. اکنون این اصلاحیه، خشونت در روابط زناشویی را نیز جرم محسوب می‌کند که طبق قانون قبل تنها با عنوان اجبار یا صدمه‌ی جنسی قابل پیگیری بود و این به جرمی با مجازات کم‌تر معنا می‌شد.

تغییرات اساسی در مقررات جدید علاوه بر داخل کردن محدوده‌ی ازدواج در مؤلفه‌های کیفری تجاوز و اجبار جنسی، واژه‌ی تجاوز را برای پوشش دادن به تمام اشکال مقاربت و دیگر اعمال جنسی حقارت‌آمیز به کار می‌گیرد.

خرید و فروش زنان در نتیجه‌ی قاچاق سازمان یافته و بین‌المللی انسان‌ها با عنوان ازدواج تجارتي مشکل جدی در آلمان محسوب می‌شود. به همین منظور دولت فدرال یک گروه کاری ملی تشکیل داده تا مقابله‌ای هماهنگ و منسجم علیه خرید و فروش زنان را در سطح ملی صورت دهد.

گزارش سال ۱۹۹۶ دفتر تحقیقات کیفری فدرال تأیید می‌کند که طیف جرایم مربوط به خرید و فروش انسان‌ها رو به گسترش است. در حالی که این مسئله در آسیا، آمریکای جنوبی و آفریقا عمدتاً گریبان‌گیر زنان است، اما هم اکنون قربانیان از کشورهای اروپای شرقی

به خصوص اتحاد سابق جماهیر شوروی، مجارستان، جمهوری چک، اسلواکی، کرواسی و لهستان هستند. دلان با زنان گرفتاری که معمولاً به دلیل نابسامانی اقتصادی به جمهوری فدرال می‌آیند، مثل کالای تجاری برخورد می‌کنند. بسیاری از زنان اغوا شده توسط این دلان، مورد آزار شوهرانشان قرار می‌گیرند یا مجبور به فحشا می‌شوند. سایرین با قول‌های کاذب کاریابی وسوسه شده و به آلمان آمده‌اند. طبق اطلاعات دفتر تحقیقات کیفری فدرال، در مقایسه با تعداد ۱۷۳۱ نفر در سال ۱۹۹۵ تعداد زنان قربانی در سال ۱۹۹۶ به ۱۵۷۲ تن رسیده بود.

حمایت از زنان در مقابل استثمار جنسی به ویژه برای دختران و زنان خارجی، در سال ۱۹۹۲ با اصلاحیه‌ای در مقررات کیفری در مورد مقابله با خرید و فروش انسان‌ها بسیار پیش‌تر شده است.

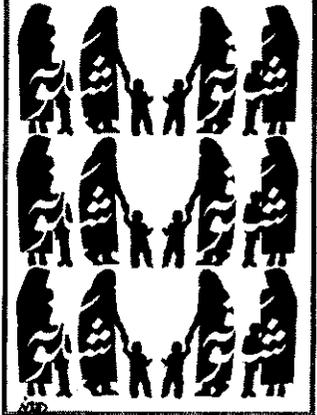
وزارت امور زنان فدرال، مرکز تماس و مشاوره برای زنان خارجی که قربانی ازدواج تجارتي و فحشای اجباری هستند، در شهر اشتوتگارت تأسیس کرده است.

کنفرانس بین‌المللی خرید و فروش زنان برای استثمار جنسی در ماه مه ۱۹۹۶ در وین برگزار شد. در میان مطالب مطرحه، کنفرانس بر لزوم ارتقای همکاری بین‌المللی میان نیروی پلیس و مقامات قانونی به منظور مبارزه با خرید و فروش زنان تأکید کرد. به علاوه، وزرای کشور، دادگستری، وزارت امور زنان و امور اجتماعی و اتحادیه‌ی اروپا در آوریل ۱۹۹۷ رهنمودی را در لاهه اتخاذ کردند. در این رهنمود به بیان فهرستی از اقدامات هماهنگ دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا برای مبارزه با خرید و فروش زنان پرداخته شده است.

برای مبارزه‌ی مؤثر با خرید و فروش زنان که مطابق دفتر تحقیقات کیفری فدرال، اغلب پایه و اساس انواع جرم‌های سازمان یافته‌ی دیگر است، ضروری‌ست که قربانیان جرائم قابل مجازات را قانع کرد تا به عنوان شاهد شهادت دهند.

از وظایف خاص وزارت امور زنان فدرال، حمایت از زنانی‌ست که اجازه دارند طی رسیدگی کیفری علیه مجرم در آلمان اقامت کنند. به منظور بهبود وضعیت این زنان و بازگشت به کشور زادگاه، این وزارت طرحی آزمایشی برای مشاوره با زنان اروپای شرقی آغاز کرده است.

هدف از برنامه‌ی همکاری اقتصادی و توسعه تبلیغ برای بازگشت زنان به کشورهای در حال توسعه و فراهم کردن کار برای آنان، کمک به قربانیان ازدواج تجاری و فحشای اجباری برای بازگشت به کشور زادگاهشان است. یک راه امرار معاش مطمئن خوداشتغالی‌ست. این برنامه در درجه‌ی اول زنان تایلندی، فیلیپینی، کنیایی و غنایی را مورد توجه قرار می‌دهد.



مهری بهفر

شکوفایی آرمان

موضوع مدارس نسوان در نشریه‌ی شکوفه بحث انگیزترین و گرم‌ترین مباحث را به خود اختصاص داده است. مریم عمید مدیر مسئول نشریه‌ی شکوفه و مدیر مدرسه‌ی دخترانه‌ی دارالعلم و الصنایع مزینیه شرایط سواد آموزی زنان را اسفناک و حرکت زنان را در این اوضاع مذبحانه توصیف می‌کند مکرراً می‌گوید:

شماره‌ی نسوان که در اعمال و اشغال مختلفه استخدام شده‌اند چه قدر زیاد شده است. پنجاه سال قبل در فرانسه ۴ میلیون نفر بخدمات عمومی مشغول بودند. در این عصر از هشت میلیون نفر متجاوزند. در دوائر حکومتی شعبه‌های تحریریه جماعتی از نسوان مستخدمند بطور تحقیق از قرار

در صورتیکه تحصیل و تکمیل معارف و علوم و پیشرفت مقصود و رسیدن بمقصد از همه جهت برای نسوان ایرانی مسدود است و هیچ راهی و پناهی ندارند که بسرحد کمال و خوش بختی و اقبال برسند بدین معنی که مشوق و معرفی برای امر تحصیل و تربیت آن‌ها فراهم نمی‌شود بعلاوه این که مشوق ندارند باندازه موانع و عوائقی دارند که ممکن نیست تصور او ولی مع ذلک با این خار و خاشاک که در راه تحصیل آنها ریخته و موانعی که از همه جهت مهیا و آماده است و اغلب عمر شریفشان به بطالت و خسران از میان میرود ولی باز باید نهایت تشکر و امتنان را از طایفه نسوان اهل ایران داشت که خودشان بعیل طبیعی و هوش فطری با این موانع حرکت مزبوحی نموده‌اند و در این مدت قلیل یک اندازه در مقام تعلیم علوم و تحصیل معارف برآمده‌اند و هرگاه معرف و مشوقی داشتند و اسباب تحصیل آنها فراهم بود معلوم میشد که استعداد خاتم‌های ایرانی بچه اندازه است ...

نسوان و خدمات عمومی عنوان مطلبی است نوشته‌ی ضیاءالدین ندیمی، چاپ این مقاله در شکوفه

● از مقالات و بحث‌های موجود در نشریه‌ی شکوفه می‌توان آن صدای اعتراض آمیز و منتقد زنانه را شنید، در حالی که از مندرجات نشریه‌ی دانش بسیار کم‌تر می‌توان شمایی از آن صدا را هم متصور شد.

در نخستین بخش این جستار - حقوق زنان - شماره‌ی دهم - کوشش شد فراوانی مقاله‌ها و نوشته‌هایی که به هدف موجه نمودن آموزش و دانش آموزی زنان در نشریه‌ی شکوفه به چاپ می‌رسید، نمایانده شود. بسامد بسیار بالای این گونه نوشته‌ها، همچنین چاپ اعلان‌های مربوط به مدارس نسوان، زمان امتحانات دختران این مدارس، چاپ خطابه‌هایی که مدیران مدارس نسوان در روزهای آزمون ایراد می‌کردند، چاپ نام‌های دخترانی که موفق به دریافت تصدیق از این

روزنامه‌ی تربیت و پیشرفت اخلاقی ادبی حفظ بصورت اطفال خانه‌داری و تدریس سبک و تربیت و دیگر کاران تصدیقاً خلاق زنان راجع به مدارس نسوان مقاله‌ی ما را در مجله‌ی خود

و پاسخ آن با توجه به پیشینه‌ای که از مندرجات شکوفه داریم خالی از فایده نیست. در این مقاله آقای ندیمی وضعیت زنان اروپایی را توصیف می‌کند و نیز این که آنان توانسته‌اند شغل‌های گوناگون را عهده‌دار شوند. وی می‌گوید دانشمندان و اندیشه‌گران اروپایی دریافته‌اند که در آینده زنان دارای مقام مهمی خواهند شد، به همین دلیل از امروز حقوق و مزایای آنان را تصدیق می‌کنند و به نقل از یکی از نشریات فرانسوی می‌نویسد:

باید ملاحظه کرد که از پنجاه سال تاکنون

مدارس می‌شدند، چاپ مقالات اعتراض آمیز به وزارت معارف و گلابه از بی‌توجهی آنان به مدارس دخترانه، انتشار نوشته‌هایی که گاه با استدلال‌های دینی و گاه با آوردن نمونه‌هایی از وضعیت زنان اروپایی همراه بود و سرانجام به این نتیجه‌گیری می‌رسید که آموزش زنان برای اصلاح جامعه، ترقی کشور و تربیت فرزندان ضروری و حیاتی است، همه‌ی این‌ها موجب می‌شود شکوفه را در وهله‌ی نخست به گونه‌ای ارگان مدارس نسوان بشماریم و پس از آن ارگان انجمن همت خواتین.

<p>هفتاد و شش در طران بیمار ... ۵۰۰۰۰ قرآن شماره ... ۳۰۰۰۰ قرآن سارو کلابات بیمار ... ۸۰۰۰۰ قرآن شماره ... ۳۰۰۰۰ قرآن مالک خارجی عیاد ... ۵۰۰۰۰ قرآن کتاب ... ۵۰۰۰۰ قرآن اعلان نامت طری ... ۵۰۰۰۰ قرآن</p>	<p>آغاز روزنامه بزرگان خیابان پین من (۱۰) ماه استنداد و خبر مسوولین درم و کتابها مستندین ادب و مخانا بنگر با مسکات جریه درشت باشد بزیر قوه و درج مؤثر اداره در حکم و مسدود محنت راست کتابت بی‌منا پذیرفته بشود درج نخواهد شد</p>
--	--

ذیل. در وزارت جنگ ۳۰۰۰ نفر در پست و تلگراف ۱۸۰۰۰ نفر در راه‌های آهن ۶۰۰۰ نفر در معارف و تدریسات ابتدایی ۶۴۰۰۰ نفر در مکاتب ثانوی و مدارس اناث ۴۶۰۰۰ نفر در کارخانه‌های دولتی ۱۹۰۰۰ نفر زن خدمت میکنند و مواجب میگیرند.

حساب فوق مطالب استالستیک دولت فرانسه است بدون کسر و نقصان که حالت حالیه اناثیه آنها از قرار مرقوم بود ولی بملاحظه از شیر حمله خوش بود و از غزال رم از خواتین محترمه ایرانی انتظار و توقعات فوق بهیچوجه نمیرود فقط متمنی است بقدری در معارف و بصیرت امور معاشیه خود سعی و کوشش نمایند که لااقل بتوانند خانه خود را اداره فرمایند.

در پاسخ به نوشته‌ی آقای ضیاءالدین ندیمی، و این که از شیر / مرد حمله خوش آیند و پسندیده است و از زن / اغزال رمیدن و گریز و با ملاحظه‌ی این که زن باید الگوی زن آرمانی سامانه‌ی مرد سالار / اغزل رمیده را همواره حفظ کند و در راستای این که گفته شد از زنان ایرانی به هیچ وجه انتظار نمی‌رود چونان زنان اروپایی که پیش از این توصیف شدند، رفتار کنند و

نش زنی و رانه در نشریه‌ی شکوفه

دریم پرده ناموس ظلم و جور و جفا
تساری حق خرد یا رجال نیکو حال
کنیم ثابت با فعل و قول و جمله قوا
... بشور دانش و بینش منیر باید ساخت
قلوب خویشتن و آنگه قلوب اهل صفا^۵
این فضای شادمانه و پرنشاط و بشاشت که برای
وصفش کوشش شد، به طور پیاپی با تهدید روبه‌رو بود.
هنوز اندی نمی‌گذشت از تأسیس دبستان دوشیزگان
توسط بی‌بی خانم وزیراف که سخن از ویران کردن
مدرسه رفت و تکفیر نامه‌ها و شب نامه‌هایی در شهر
منتشر شد. در آن شب‌نامه‌ها گفته شده بود «وای به
حال مملکتی که در آن مدرسه‌ی دخترانه تأسیس شود
و این تکفیر نامه‌ها... بازار سیاه پیدا کرد»^۶

را معلول شرایط اجتماعی و ذهنیت اجتماعی اروپاییان
می‌نگارد و تلاش‌ها و کوشش‌های زن ایرانی را برای
تحصیل علم و آموختن سواد حرکت مذبحی توصیف
می‌کند که با تقیه میسر است. به کار بردن کلمه‌ی تقیه
از سوی نویسندگی شکوفه باعث می‌شود بپرسم آن
همه تأکید بر بهینه‌بچه‌داری و شوهر داری کردن زن
سواد آموخته؛ نوعی تقیه و حرکت مذبح بوده است در
برابر سامانه‌ی مردمدار ایستایی که جز این دو استدلال
را توان برتافتن نداشت؟

با همه‌ی مصائب و سختی‌هایی که نویسندگی برای
سواد آموزی ذکر کرد، نوعی بشاشت و شادمانی و
خوش‌بینی از پا گرفتن روزافزون مدارس دخترانه به
چشم می‌خورد:

ولی با این خرابی راه و زیادتی
خار و خاشاک این کمینه در نهایت جرئت
و اطمینان بنا همه عناصر و ارکان بهمه
معارف خواهان از مردان و زنان و
دوشیزگان ایران مژده و تریک میدهم که
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد. عما
قرب است ایرانی که از بی‌علمی و
بی‌صنعتی و بی‌معارفی خراب و ویران شده
بود چون گلستان و بوستان جهان خواهد
شد ...

این نشاط و بشاشت و هیچان را می‌توان از
شماری که در مراسم امتحانات، مدیران و آموزگاران و
دانش‌آموزان سر می‌دادند نیز آشکارا دریافت:
پاینده باد استقلال وطن
زنده باد خانم‌های علم دوست
زنده باد مفتشه نورالدجی خانم^۴
و همچنین ابیاتی که خانم محترمه‌ی فاضله‌ای
از عشق آباد به شکوفه می‌فرستد نشانگر فزونی شور و
نشاط است در میان زنانی که امکان سوادآموزی
یافته‌اند:

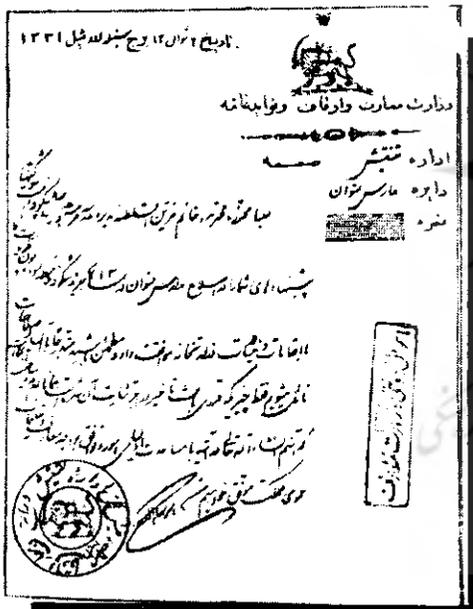
... بگو که نوبت این شد که با کمال ادب
بخواهران این وطن این چنین زینم صلا
... ز تنگهای جهالت ز حفرة غفلت
برون کنیم بیک باره سر بحول خدا
کمر ز غیرت بندیم محکم وانگه
قدم نهیم بمیدان علم و صدق و صفا
دلیر و چابک و هشیار همچو گرین
ز هم دریم صف رو بهان جهل و عما
بتوب نطق و بیالون عقل و سیف عمل
کنیم نفع قلوب جهانیان یک جا
... زینم خرمن اوهام مرد و زن آتش

فقط کافی‌ست در حد اداره‌ی خانه و خانه‌داری سواد
بیاموزند، شکوفه بیتی از حافظ را عنوان پاسخ‌گویی‌اش
قرار می‌دهد:

فیض روح‌القدس از باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد
و با آوردن همین بیت بر مقایسه‌ی یک سونگر و
دچار تضاد ندیمی خط بطلان می‌کشد، مقایسه‌ای که
از یک سو بر برتری‌ها و پیشرفت‌های زن اروپایی در
برابر زن ایرانی انگشت سرزنش می‌نهد و از سوی دیگر
به زن ایرانی می‌گوید از تو همچنان رمیدن غزال‌وار در
برابر ترکنازی شیروار مردان انتظار می‌رود و سزاست که
مرز و حد یادگیری‌تان از حدود خانه‌داری فراتر نرود.
شکوفه در پاسخ، وضعیت زنان اروپایی را از دید
زنان‌هاش چنین به وصف می‌کشد و با شرایط زیستی -
اجتماعی زن ایرانی مقایسه می‌کند:

می‌باید اساس تقدم و پیشرفت علوم و
معارف زنان و خانمهای اروپایی را فهمید
که از چه راه و عنوان است که همه دارای
علوم و صنایع ... [خواننده نشد] می‌باشند
از ابتداء که از مادر متولد شدند با علم و
صنعت توأم زائیده شدند خیر آیا
خانم‌های اروپایی دارای دو مغ و دو دماغ
می‌باشند خیر آیا از عالم غیب بمکاشفه
مددی بانها میرسد خیر بلکه کمیانی تربیت
و هیئت اجتماعی دولت و همراهی عموم
ملت اسباب تربیت و تحصیل علوم و
معرفت و صنعت زنان و خانم‌های اروپایی
شده بدبخت زنان و دختران ایرانی که در
چاه جهل و نادانی افتاده بعلاوه آنکه کسی
نیست که آنها را از این بلیه نجات بدهد و
یک قدم با آنها در تحصیل علوم همراهی و
کمک نمایند و اسباب تحصیل و تشویق
آنها را فراهم آورند بعلاوه هنوز به عقاید
فاسد کاسده قدیم که میگفتند زنان نباید
سواد و علم داشته باشند باقی و برقرارند و
هرچه خانم‌های ایرانی بی‌فهم‌تر و
بی‌شعورتر و بی‌علم‌تر باشند آقایان بهتر و
خوشحال‌تراند دیگر چه توقعی دارند از
زنان ایرانی که با این همه موانع و عوایق که
نمی‌توانم شرح دهم ترقی بنمایند خودشان
در مقام تقیه حرکت مذبحی و تحصیل
مختصری مینمایند.

نویسندگی شکوفه با آن آغاز درخشان،
پیشرفت‌های زن اروپایی رانه از برتری ذاتی آنان که آن



گمان می‌رود مرگ ناگهانی، مرموز و شک‌انگیز
مادموازل پلویه، آموزگار برخی از مدارس نسوان از
جمله مدرسه‌ی ناموس، در شب تاریک، بیرون از
دروازه‌ی دولت، با این گونه سنگ‌اندازی‌هایی که
مخالفان سوادآموزی دختران نسبت به مدیران و
آموزگاران مدارس دخترانه روا می‌داشتند، نامرتب
نباشد:

حادثه فاجعه غیر منتظره

در هفته قبل مادموازل پلویه فرانسوی که از
مادموازل‌های عالیه فاضله بود و در بعضی
از مدارس نسوان عنوان معلمه‌گی
مخصوص در مدرسه ناموس بعلاوه تعلیم



● اعضای انجمن همت خواتین تصمیم می‌گیرند، برای ترویج پارچه‌های وطنی با هم متحد شوند و از پذیرفتن شاگردانی که از این پوشش استقبال نمی‌کنند، خودداری کنند.

فرانسه سمت عضویت کامله داشت در شب تاریک در بیرون دروازه دولت در چاه افتاد و راه عقبی پیش گرفته در واقع اسباب حزن و اندوه متعلقات گردیده مخصوص شاگردان مدرسه مبارکه ناموس در حقیقت سکه در معارف و تحصیل معلمات وارد گردید البته جای تأسف است.^۷

از برخی نامه‌های مدیران مدارس نسوان و پاسخ‌های شکوفه بدان نیز می‌توان به تداوم این تهدید و آزارها پی برد. برای نمونه در نوشته‌ی ذیل سخن از افراد فاسدی می‌رود که مدیران مدارس نسوان باید با فراست و اتحاد با یکدیگر آنان را شناسایی و قلع و قمع کنند تا نتوانند با کردار مزورانه‌شان ارکان تحصیل دختران را در آن شرایط خاص به مخاطره افکنند:

... والا اگر اتفاق و اتحاد با هم داشته هر وقت یک عضو فاسدی داخل در اداره مدارس میشد اطلاع پیدا میکردند و قلع و قمع می‌نمودند این اراجیف و صحبت‌ها که اسباب تزلزل در ارکان معارف است ظاهر نمی‌شد و نمی‌گذاشتند اشخاصی که بملاحظه نفع شخصی از نفع عمومی چشم پوشیده و شرف و هستی جمعی را بیاد داده در این دوایر داخل گردند و یک اسباب مقدسی را که اسباب همه قسم ترقیات ملت و مملکت است بدنام نمایند مدرسه که مکان شریف و فضل و معرفت و تحصیل کمالات است و اسباب افتخار و ناموس دولت و ملت است ننگ ببینند و شرف نوعیت و قومیت [که] فلسفه تعلیم و تعلم است سست و بی‌بنیاد نمایند^۸...

جز این اعمال که یابوه‌گویان و جاهلان عالم منظر و بی‌همتان بی‌مشعر برای بدنام کردن مدارس نسوان انجام می‌دادند، واداشتن اشعار و اراذل و اوباش بر سر راه آموزگاران زن و دختران دانش‌آموز به هنگام تعطیل شدن مدارس، از مشکلات تأسیس مدارس دخترانه به شمار می‌رفت:

عصرها که این دخترها و معلمات بدبخت می‌خواهند از مدرسه بیرون بروند و بسمت خانهای خودشان درب مدرسه جمع میشوند از همه قسم اشخاص از جوانان و مردان منتظرند که چه وقت زنان و دختران از مدرسه بیرون می‌آیند و کدام یک حرکت و حشبیانه و صحبت‌های ناشایسته و مزخرفانه که گفتن ندارد می‌زنند و از عقب شاگردان قدری راه می‌روند و حرکات اهورانه مینمایند خاک بر سرت تو اگر مادرت عالمه بود صاحب این اخلاق نمی‌شدی که در معبر عام این قسم بی‌ناموسی و بی‌شرفی مینمائی و با زنان و دختران اسلام که هم مذهب و هم دین تو میباشند هرزه درانی مینمائی و ایذا از خالق و خلق خجالت نکشی و در خوف و تشویق نباشی و اسم خود ترا مرد بگذاری و ادعای شرف و غیرت مینمائی ما زنان میخواهیم در ظل مراجع این آقایان و مردان ترقی مینمائیم و صاحب اخلاق صحیحه شویم هیئات هیئات که این غافلانه تا بحشر لنگ است و مکرر این مطلب را پیش نهاد اداره جلیله نمودم هرگاه این عرایض بنده را قبول مینمایند یک روز در وقت سرخصی شاگردان مدرسه امریکائی تشریف ببرند در آن خیابان ببینند چه خیر است البته این مطلب باید محل توجه وزارت جلیله داخله و اداره نظمی باشد و این فقره زحمت زیاد و آژان مخصوصی لازم ندارد سپرده شود در هر محلی که مدرسه

دوشیزگان است همان آژان‌های محلی یک ساعت بغروب مانده یک نفر دو نفر درب مدرسه قدم بزنند تا شاگردان بیرون از مدرسه شاید بالتفات اولیاء امور امنیت حاصل شود و از رفتار آقایان تربیت شده راحت شویم.^{۱۰}

نویسنده‌ی شکوفه ضمن شکوه از رفتار اشعار با یک تیر دو نشان می‌زند و این موضوع مکرر که «اگر مادرت عالمه بود» را تکرار می‌کند و باز بر ضرورت تأسیس مدارس نسوان و سوادآموزی زنان برای ایفای بهینه‌ی نقش مادری پا می‌فشارد.

موضوع دیگری که از درونه‌ی شکوه از اشعار می‌توان دید، و در مقالات شکوفه بسیار هم تکرار شده است، نقد این دیدگاه است که «ما زنان میخواهیم در ظل مراجع این آقایان و مردان ترقی مینمائیم... هیئات هیئات که این غافلانه تا بحشر لنگ است» و بدین ترتیب وابستگی و امید بستن به مردان را تأسف آور می‌نگارد. در جای دیگر نیز درباره‌ی این امید عبث یعنی امید جستن راه صوفی‌گیت و پیشرفت به توسط مردان می‌گوید:

حکایت التقاء ساکنین و نزاع عاملین است و کوری نگر عصاکش کور دیگر شود بلکه بجای آنکه صراط مستقیم را تعلیم دهد بجاده ضلالت و گمراهی کشاند^{۱۱}...

موضوع دیگری که در ارتباط با سوادآموزی زنان و تأسیس مدارس دخترانه مطرح می‌شود، حضور اجتماعی یافتن زنان خانه‌نشین و بیرون شد ناموس آنان به اجتماع بود. این حضور را مردان به گونه‌ای نمی‌توانستند برتابند و خود زنان نیز به گونه‌ای دیگر. سلسله مقالاتی در نشریه‌ی شکوفه منتشر شد، با عنوان **اخطار به مردان و جوانان**. این سلسله مقاله شاهده‌ی ست بر این موضوع یاد شده که مردان آماذگی ذهنی و تجربه‌ی عملی بر تافتن حضور زنان را نداشته و حضور زنان طبیعت عادت‌های ذهنی آنان را آشوبفته بود. در این سلسله مقاله با زبانی تند و تیز مردان را به دلیل نداشتن ظرفیت برای پذیرش زنان در جامعه به باد سرزنش می‌گیرد و می‌خواهد از عادات ناپسند و قبیح بپرهیزند و از به چشم شهوت نگریستن به زنان خودداری کنند و نیز آنان را به رعایت دستورهای دینی فرا می‌خواند:

اگرچه در آداب اجتماعی و ملکات نفسانی نوع بشر بی‌میلانی و وحشی‌گری و حرکات اهورانه و اعمال سفیهانه بسیار است... رفتار زشت و کارهای بد سرشت ماها بشماره و حساب بیرون نمی‌آید ولی بعضی از آن‌ها بقدری قبیح و بداست و برای هیئت اجتماعی ما یک لکه ننگ و لوث و پستی و دنائت نفس احداث مینماید که بهیچ چیز نمی‌توان جبران کرد و بهیچ آبی تطهیر و پاک نمیشود یکی از آن بی‌میلاتیها که از ابتدا حکم فرما بوده و در این اوقات اخیر مخصوص در این عصر



حالیته متناسفانه انبساط یافته و جزء شایعات مملکتی و روز بروز در از زیاد است همانا بچشم شهوت رانی و [خواننده نشد] نگاه نمودن جوانان و مردها است بمخدرات و بانوان و خواتین محترمت مردهای ما و جوانان حرمت و احترامی را که حسب الدبانه و نزاکت دستور العمل مذهبی مجبور از رعایت آن در حق زنان بوده فراموش و نسیان و از خاطر بیرون نموده بقسمی که اسباب شماتت پیگانگان و عیب جوئی همسایگان گردیده^{۱۲}

این نگاه سراسر جنسی مرد به زن که مرد سامانه‌ی مردمدار بدان عادتند و خوگر است، آنک با حضور اجتماعی زن در جامعه در شرایطی که بسیاری



از روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی به قوت دیرین خود باقیست، ایجاد تضاد و تعارضی کرده است و موجب شده مردان حضور اجتماعی و جدی زن را برتابند و برای تعاملی اجتماعی و غیرجنسی با زنان در گستره‌ی اجتماع آمادگی، تجربه و پیشینه نداشته باشند.

حضور زنان به عنوان مدیر مدرسه، آموزگار و دانش‌آموز و... اگرچه نشانگر تغییراتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسیست اما بیش از آن که از تغییری در بنیان روابط سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران نشأت گرفته باشد، این تغییرها از تلقیحی غیر طبیعی و مصنوعی و تأثیری برونی، نه از درون و نهاد جریانات اجتماعی حاصل شده است. و چون این حضور یا تغییر تدریجی، بنیانی و عمقی مناسبات و روابط و تعامل‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی توأم نبود، حضور رسمی زنان برای مردان خرق عادت بود.

این گونه **اخطارها به مردان و جوانان** از سوی نشریه‌ی شکوفه، حاکی از آمادگی و ظرفیت نیافتن مردان و به تبع برنخاستن این تغییرات از درونه‌ی روابط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی ایران است.

همان گونه که در آغاز این بحث اشاره کردم، آمادگی نیافتن و بی‌تجربگی ذهنیت اجتماعی مردم

برای حضور زنان، تنها به مردان محدود نبود و زنان را نیز در بر می‌گرفت و برای خود آنان هم این تغییر وضعیت چندان طبیعی و عادی نبود. و آن نگاه جنسی که مرد این سامانه به زن داشت، زن نیز خود را با آن می‌دید. برای نمونه در ادامه‌ی همین مقاله‌ی **اخطار به مردان و جوانان** نویسنده‌ی شکوفه از مردان می‌خواهد برای حفاظت و نگه‌داری از حریم عفت و عصمت زنان بکوشند و در این راه از شدت وحدت و حتما از اعمال خشونت هم ابایی نداشته باشند. که این نشان دهنده‌ی هراس خود زنان است از این حضوری که جامعه چندان پذیرا و آماده‌اش نیست و نیز بیم آنان از این که از خانه به درآمدن زنان بدون دقت مردان در نگه‌داشت عفت نوامیس‌شان، به فساد و سرانجام به از دست رفتن همین حد از آزادی بینجامد و نیز اعلام آن که بیرون آمدن و حضورشان به معنای مخالفت با عفت و پاکدامنی نیست و برای حفظ آن باشد و تندی هم موافقتد بی‌عفتی را به هنگام تشویق زنان به حضور در اجتماع تبلیغ نمی‌کنند:

مردان حارث و پاسبان و نگهبان

زنان اند و در حقیقت مرئی و تربیت کننده ایشان و چون مقام همسری و هم‌سری و کفویت دارند نه همین نگاهدار هیكل و جد آنها میباشند بلکه حافظ و حارث عصمت و عفت و شرافت آنها باید باشند قسمی که هرگاه بخواهد اندکی از جاده صحت و شرافت انحراف جویند جلوگیری نمایند و بهر وسیله و دسیسه و اسباب چینی باشند نگذارند از روی جهل و نادانی رویه شهوت رانی پیش گیرند و رفتار بی‌شرفانه و خودسرانه و اهورانه نمایند ابتدا بنصایح عاقلانه و اندرزهای مشفقانه و تدابیر دوستانه آنها را از جاده ضلالت و راه خلاف بازدارند... که هرگاه گردن از قید اطاعت کشیدند و سر از فرمان شریعت پیچیدند و باز در مقام مخالفت قیام و اقدام دارند و موعظه و نصیحت آب در هاون سائیدن و آهن سرد کوبیدن است آنها را ترک نمایند و مراوده و معاشرت و اظهار محبت بانها نکنند و در منزل و رختخواب و فراش آنها نخواستند و بانها رسم خشونت و درشتی و مغایرت و عداوت رفتار نمائید و هرگاه از این طریقه و حیل هم از حرکات و حشیانه و ترتیبات شهوانیه دست بردارند و لجام عصمت و عفت را گسیخته و در میدان شهوت و بی‌شرفی بر خر شیطان سوار شد و از اعمال قبیحه و معاصی کبیره نادم و پشیمان نشد باید آنها را بواسطه زجر و آذیت و زدن از راه ضلالت و گمراهی و جاده متابعت شیطانی بازداشت پس از این مقدمات نتیجه ظاهر شد که مردان حافظ و نگاهبان و مرئی زنان میباشند و باید آنها را از خطا

کاری و بد اخلاقی و بی‌ناموسی حفظ بنمایند تصور بفرمائید که چقدر بدبختی و بی‌حسی و بی‌غیرتی می‌خواهد آنکسی که نگاهدار و راه‌نمای و پاسبان زنان است خودش اسباب بد اخلاقی و افتضاح و شهوت رانی و افعال و اعمال شنیعه آنها بشوند^{۱۳}...

تا این اندازه زنان را مستعد زیرآ گذاشتن ارزش، هتجار و اخلاق مورد پذیرش جامعه شمردن و آنان را برای منحرف نشدن به خطاکاری و بد اخلاقی و بی‌ناموسی نیازمند کنترل و نگاهبانی، مرئی‌گری و قائدی و رهنمایی مرد شمردن، نیز از القابات رسوخ و جریان یافته در شریان‌های ذهنی و باورمندی‌های زن و مرد این سامانه است. در این نوشتار سمت مرئی‌گری، قائدی و رهنمایی مردان محرز دانسته شده و نویسنده‌ی شکوفه هیچ شکی بدان روا نداشته و حتا نه به راهنمایی دو سویه و متقابل که راهنمایی و قائدی یک سویه‌ی مرد و خطاکار بالفطره بودن زنان را باور داشته است.

موضوع دیگری که در نشریه‌ی شکوفه بسامد بسیاری دارد، رد برتری‌های ذاتی مردان بر زنان است. و برای اثبات این مهم، نویسندگان نشریه از استدلال‌های دینی نیز بهره می‌گیرند:

برخلاف اشخاصی که بی به حقوق و حدود هم جنسی و هم نوعی و هم صنفی خود بردند و واقع همچو گمان میکنند که طایفه نسونان در خلقت از مردان نقصان دارند یا اینکه از نوع بشر و انسان نمی‌باشند و آقایان خود را از عالم پاک و زنان را سرشته از خاک میدانند یا اینکه خود را عاقل کامل فرزانه می‌شمارند و زنان را جاهل و دیوانه محسوب دارند و بدین واسطه دست ظلم و تعدی را از همه جهت دراز نموده و همه قسم ذلت و مسکنت که انسان بهیچ حیوانی روا ندارد در حق زنان لازم بلکه واجب دانسته از ضرب و شتم و بی‌شرفی و حال اینکه حکمت حضرت و حدیث و فرمایشات حرمت رسالت چنین قضاوت فرمودند^{۱۴}...

نویسندگان شکوفه در مقالاتی نظیر خدمات زنها بعالم اجتماعی کمتر از مردها نیست بلکه علاوه است^{۱۵} یا دختر غم خور مادر است با استدلال‌هایی در صدد رد آن برتری‌هاییست که سامانه‌ی مرد سالار از آن مرد می‌کند و بعد آن را ذاتی خصائل مردی می‌نمایاند. در مقاله‌ی اخیر نویسنده کوشیده ثابت کند که وطن تنها مخصوص مردان نیست بلکه مام وطن، به دخترا زن نزدیکتر است تا به پسر ا مرد:

خانمهای من تصور بفرمائید که وطن مخصوص مردها است و زنان را در او حقی نیست این تصور را بکلی از خود دور بفرمائید برای آنکه همیشه محبت مادر و



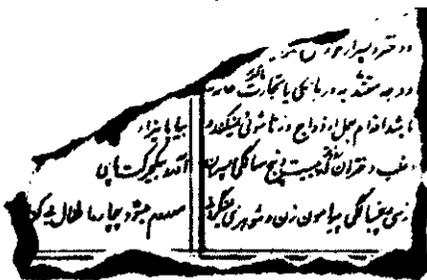
شده و تمام اهل انجمن با هم متحد گردیده‌اند و هم قسم شده‌اند که آنچه در قوه دارند صرف نظر از پارچه‌های شیک خوش ظاهر فرنگ نمود و تمام شاگردان مدارس و بستگان و دوستان خود را وادار کند در پوشیدن لباس وطنی و آنچه ممکن بشود همه شکل زحمت را به خود هموار نموده بلکه بتوانند در این راه کمک و نگاه‌داری از وطن عزیز خود بنمایند...

و همچنین از خانم‌های محترمه و مدیرات برای مدارس نسوان استدعا مینمایند که تا قوه دارند سعی و کوشش فرمایند در ترویج پارچه‌های وطن البته خودشان بهتر میدانند بجایه کهنه خود قناعت کردن بهتر است از جامه بیگانگان که بعاریت پوشند و مجبور کنند بسته‌گان و دوستان خود را پوشیدن پارچه‌های وطن و از کلیه آقایان استدعا میشود مخصوص مدیران مدارس ذکور هم همتی کرده در ترویج پارچه‌های وطنی... مردها همت بکنند...

و در همین جلسه ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴ - ۱۲۹۵ خورشیدی - اعضای انجمن همت خواتین تصمیم می‌گیرند، برای ترویج پارچه‌های وطنی با هم متحد شوند و از پذیرفتن شاگردانی که از این پوشش استقبال نمی‌کنند، خودداری کنند.

نشریه‌ی دانش - نخستین نشریه‌ی زنان در ایران - و نشریه‌ی شکوفه دومین نشریه‌ی زنان را در مقایسه‌ی کلی می‌توان چنین توصیف کرد: در دانش به دلیل حرفه‌ی نخست مدیرمسئول - چشم پزشکی - مطالب بیشتر به حفظ‌الصحه‌ی کودک، زن و خانواده مربوط بود و مطالب طبی بیش‌ترین حجم و بسامد را در این نشریه در بر می‌گرفت. در حالی که در شکوفه باز هم به سبب شغل دیگر مدیرمسئول - مدیر مدرسه‌ی دخترانه - بحث‌های مربوط به تعلیم و تربیت و ضرورت سوادآموزی زنان و دختران بیش‌ترین حجم و بسامد را داشت اگرچه در شکوفه هم موضوعات مربوط به حفظ‌الصحه و در دانش نیز بحث‌هایی در ضرورت سوادآموزی زنان دنبال می‌شد.

با آن که فاصله‌ی زمانی پایان انتشار دانش و آغاز



● موضوع دیگری که در ارتباط با سوادآموزی زنان و تأسیس مدارس دخترانه مطرح می‌شود، حضور اجتماعی یافتن زنان خانه‌نشین و برون شد ناموس آنان به اجتماع بود. این حضور را مردان به گونه‌ای نمی‌توانستند برتابند و زنان نیز به گونه‌ای دیگر.

دختر بیشتر از محبت پسر و مادر بوده... تصور نکنید که همین مردها می‌توانند از وطن نگاهداری بکنند یا خدای نکرده وطن فروشی نمایند ما زنها هم میتوانیم هم نگاهداری کنیم و هم خدای نکرده خیانت کنیم ولی الحمدلله زنها برسمی که دارند در دوستی مادر کم‌تر زحمت مادر را فراهم می‌آورند و راضی نمیشوند که دست غیر بروی مادرشان دراز شود کمتر اتفاق افتاده که دختر چیزی از مادرش بدزدد اما پسرها...^{۱۶}

انجمن همت خواتین

یکی از انجمن‌های زنان ایران که در سال سوم انتشار شکوفه تشکیل شد، انجمن همت خواتین است. این انجمن با گروهی از مدیران مدارس نسوان و آموزگاران و برخی زنان دیگر تشکیل شده بود و بیش از آنچه هدفی زن‌ورانه داشته باشد، هدفی ملی داشت. به گونه‌ای که تمام اعضای انجمن با یکدیگر هم قسم شدند که:

... خانم‌های مدیران مدارس و سایر خواتین که خودشان داوطلب شده به همت و همراهی سرکار علی‌ه عالی‌ه خانم نورالدجی مفتش کل مدارس نسوان در روز جمعه ۱۵ جمادی‌الثانی انجمن تشکیل

شکوفه اندک - در حدود دو سال - بود، می‌توان شاهد شکل‌گیری نگاه و خواستی بالنسبه زنانه بود که توانسته تا اندازه‌ای القابات آشکار سامانه‌ی مردم‌داری را فروگذارد.

شکوفه اگرچه از حمل و نقل ارزش‌های تحمیلی سامانه‌ی مرد سالار نریده‌ها اما به نسبت دانش توانسته به گونه‌ای نگرش و نگاه زنانه دست یابد و از آن در متن گفتارهای زن‌ورانه‌اش دفاع کند.

از مقالات و بحث‌های موجود در نشریه‌ی شکوفه می‌توان آن صدای اعتراض‌آمیز و منتقد زنانه را شنید، در حالی که از مندرجات نشریه‌ی دانش بسیار کم‌تر می‌توان شمایی از آن صدا را هم متصور شد.

شاید شغل دیگر مریم عمید یعنی مدیر مدرسه‌ی دخترانه بودنش، او را نسبت به مشکلات، دشواری‌ها و درمندی‌های جامعه‌ی زنان حساس‌تر از خانم دکتر کحال، کرده است. بر عهده داشتن مدیریت مدرسه‌ی دخترانه، نبردی رویارو، و درگیری مستقیم با آن باورها و شرایط اجتماعی - اقتصادی‌ست که زنان را منزوی و گوشه‌گزین و نگاه‌دار خانه و اندرون می‌خواهد. تأسیس مدرسه‌ی دخترانه در شرایطی که مدیران این مدارس تکفیر می‌شدند و مورد ایذا و آزار قرار می‌گرفتند، اعلان پیکاری آشکار با سنت‌ها و باورهای مرد مدارانه بود، و این اعلام موضع روشن نه تنها مدیر مسئول جریده‌ی شکوفه را نسبت به مسائل زنان در شغل مطبوعاتی‌اش حساس‌تر می‌کند که شغل مطبوعاتی نیز وسیله‌ای می‌شود برای تبلیغ و جنا انداختن باورهای نو و زن‌نگرانه در جامعه و تداوم بخش و پاریگر همان پیکار آشکار تأسیس مدرسه‌ی دخترانه به شمار می‌رود.

نکته‌ی دیگر در غنای کار مطبوعاتی، ژورنالیستی شکوفه نسبت به دانش است. نشریه‌ی شکوفه از لحاظ کیفیت کار مطبوعاتی، تنوع مطالب، بحث‌های زن‌گرایانه در زمینه‌های یاد شده و مقالات سیاسی - تاریخی، طنز و... نسبت به دانش موفق‌تر به نظر می‌رسد.

پانویس:

ضمن پوزش از برخی اشتباه‌های تایی در بخش یکم این جستار بدین وسیله آن اشتباه‌ها اصلاح می‌شود: (۱) در صفحه‌ی ۵۱، ۱۳۳۷ به اشتباه ۱۳۳۷ هجری قمری تائب شده است.

(۲) در صفحه‌ی ۵۴، می‌باید کردن مدرسه‌ی دخترانه به اشتباه تبرای مدرسه‌ی دخترانه تائب شده است.

۱. نشریه‌ی شکوفه، چاپ کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۷۷، ص ۷۶.
۲. همان، ص ۹۸.
۳. همان، ص ۹۸.
۴. همان، ص ۲۳.
۵. همان، ص ۲۶۷.
۶. قومی فخری، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران، ص ۱۳۲.
۷. نشریه‌ی شکوفه، ص ۱۵۵.

۸. نشریه‌ی شکوفه، ص ۱۱۴.
۹. همان، ص ۹۸ از سخنان مدیر مدرسه‌ی دخترانه‌ی حسانت.
۱۰. نشریه‌ی شکوفه، ص ۱۱۴.
۱۱. نشریه‌ی شکوفه، ص ۹۸.
۱۲. همان، ص ۱۴۸.
۱۳. همان، ص ۱۵۲.
۱۴. همان، ص ۸۷.
۱۵. همان.
۱۶. همان، ص ۲۵۷.
۱۷. همان، ص ۱۹۴.

صاحب آن را خانم دکتر کحال همسر دکتر حسین خان کحال مدیر روزنامه استقلال ایران معرفی کرده است. آقای محیط طباطبایی این خطای صدر هاشمی را به این طریق اصلاح کرده است: «روزنامه هفتگی دانش که از دهم ماه رمضان ۱۳۲۸ هجری تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹ سی شماره روی کاغذ نیم ورقی و هر شماره‌ای در ۸ صفحه به مدیری و صاحب‌امتیازی خانم دکتر کحال دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی انتشار یافت پیش از آن که سال آن به پایان برسد تعطیل شد. نخستین روزنامه‌ی زبان فارسی‌ست که اختصاص به زنان داشته است... خانم دکتر کحال هیچ گونه انتسابی با دکتر حسین‌خان کحال مدیر روزنامه‌ی استقلال ایران نداشت و رشته ارتباط ایشان نسبی نبوده بلکه فنی

بوده‌اند. بنابراین به نقل خانم چوبک باید دین میرزا یعقوب حکیم باشی را مسیحی دانست، و نام یعقوب هم در نزد ارامنه مورد استفاده قرار می‌گرفته است چنان‌که نام پدر میرزا ملکم خان نیز میرزا یعقوب بوده است.

خانم چوبک همچنین حکایت می‌کنند که در ایام طفولیت اهالی محل ایشان و خواهرشان اقدس را به نام «نوه‌های خانم دکتر» می‌خوانده‌اند. اما نقص بزرگ کار ما در آن‌جاست که از اسم اصلی این خانم اطلاعی نداریم زیرا چه در خود روزنامه و چه در منابع دیگر همه جا از وی به نام خانم دکتر کحال یاد شده است. در مورد زندگی خصوصی او هم اطلاعات ما بسیار ناقص است.

متأسفانه خانم دکتر کحال در زمان خردسالی نوادگان فعلاً در قید حیات خویش درگذشته است و آنان اطلاع بسیار اندکی درباره‌ی زندگی او دارند. به روایت خانم چوبک، خانم دکتر کحال زن یک روحانی معروف زمان خود بوده است و طبابت را با اجازه او انجام می‌داده. از این‌که خانم دکتر کحال در کجا درس چشم پزشکی خوانده است کاملاً بی‌اطلاعیم. در عین حال از این‌که او به اقتضای شیوه پدر و شاید به تشویق او و نیز آموزشهای اولیه در محضر او به این کار پرداخته نباید غافل شد. اما مصرف لغات انگلیسی و برگردان آنها به خط فارسی در روزنامه می‌تواند این تصور را پدید آورد که بانوی مزبور در نزد مبلغان مسیحی - احتمالاً امریکایی - که بعدها هم مدرسه دخترانه امریکایی همدان را در این شهر تأسیس کردند درس طبابت خوانده و کحالی آموخته است. در شماره ۵، صفحه ۲، روزنامه دانش اعلانی به این شرح دیده می‌شود که حاکی از تغییر محل مطب اوست و جای تردیدی در مورد طبابت خانم دکتر کحال باقی نمی‌گذارد:



توضیح

بوده و هر دو چشم پزشک بوده‌اند (محیط طباطبایی، «جزوه‌ی تاریخ مطبوعات ایران» - قسمت نوزدهم - بخش دوم - گفتار دهم، ص اول: نک: پانویس ۱ همین مقاله).

بر این توضیح روشن‌گرانه آقای محیط طباطبایی این نکته را باید افزود که خود خانم دکتر کحال در صفحه دوم اولین شماره روزنامه هنگام معرفی خویش می‌نویسد: «این کمینه خانم دکتر، صبیۀ مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدیدالاسلام است که به سنت رایج پس از پذیرفتن دین اسلام نام خود را از یعقوب به محمد تغییر داده و لقب حکیم‌باشی داشته است. ظاهر نام یعقوب و انتساب او به شهر همدان که یک مرکز اقلیت‌نشین کلیمی و مسیحی‌ست و این‌که اطبای سنتی ایران غیر از مسلمانان غالباً از کلیمیان بوده‌اند این شبهه را پیش می‌آورد که پدر خانم دکتر کحال جدیدالاسلام بوده است. اما خانم قدسی چوبک اظهار می‌دارند که اولاً سیمای مادر بزرگ پدری خود را به یاد دارند که زنی بور و زاع بود، ثانیاً از اقوام آن خانم بعدها خویشاوندانی را در تهران ملاقات کرده‌اند که از ارامنه

«محکمه کحالی این خادمه در خیابان جلیل‌آباد بود. حالیه کما فی‌السابق همه روزه قبل از ظهر سوای جمعه در جزو اداره جریده دانش از برای پذیرایی مرضای چشم حاضرم. خانم دکتر کحال.»

از بستگان دیگر خانم دکتر کحال از کسی سراغی نداریم مگر آن که صفحه ۸ شماره ۲ روزنامه آگهی تسلیتی به امضای مدیره مدرسه احیاء دخترانه خطاب به خانم دکتر کحال در فوت میرزا حسن بن محمد چاپ شده و مدیر نشریه نیز ضمن تذکر این‌که انتشار روزنامه یک هفته به مناسبت فوت برادرش به تأخیر افتاده از تسلیت دهنده تشکر نموده است. در شماره ۲ عنوان خانم دکتر کحال از «صاحب امتیاز و مدیره» به «صاحبه امتیاز و مدیره» تبدیل شده است و این عنوان تا پایان نشر روزنامه به همین صورت باقی مانده است.»

پانویست:

۱. الهی صدرالدین، مجله‌ی ایران‌شناسی، سال ششم - شماره‌ی دوم - تابستان ۱۳۷۳

خانم دکتر نجم‌آبادی، پس از انتشار مقاله‌ی گذاری بر نخستین نشریه زنان در ایران، - حقوق زنان شماره‌ی نهم - مقاله‌ای از آقای صدرالدین الهی به نام تک‌نگاری یک روزنامه «دانش» برای ما فرستادند که با توجه به منابع آقای الهی می‌توان پذیرفت که خانم دکتر کحال مدیر مسئول نشریه‌ی دانش - آنچنان که در پانویست شماره‌ی دوم مقاله‌ی گذاری بر نخستین نشریه‌ی زنانه در ایران از منابع در دسترس گفته شده بود - همسر دکتر حسین خان کحال نبودند، با سپاس از خانم دکتر نجم‌آبادی برای اشارت در بایست‌شان و نیز فرستادن این مقاله، بخش موردنظر از مقاله‌ی آقای الهی را مرور می‌کنیم:

«شماره اول روزنامه با نام صاحب امتیاز و مدیر خانم دکتر کحال منتشر شده است. محمد صدر هاشمی مؤلف کتاب تاریخ جرائد و مجلات ایران، ذیل شماره ۵۳۲ هنگامی که از روزنامه دانش سخن می‌گوید،

زندگی برای همه ما پر از فراز و نشیب است. گاهی که دلمان از غصه‌ها می‌گیرد و سختی‌ها محاصره‌مان می‌کنند... با خود می‌گوییم کاش جایی و کسی بود که حرف‌هایمان را می‌شنید، به پای واگویه‌ها و درد دل‌هایمان می‌نشست و با راهنمایی‌هایش در طی این مسیر پر از فراز و نشیب یاریمان می‌کرد.

ما آماده‌ایم توانمان را به کار گیریم تا شنونده‌ای مهربان و صمیمی و راهنمایی امین برایتان باشیم. سئوالات خود را پیرامون مسائل حقوقی برایمان بفرستید. کارشناسان ما نیز روزهای یکشنبه هر هفته شنونده حرف‌ها، مسایل و مشکلات شما هستند. ● قبل از مراجعه با تلفن ۶۴۳۴۲۶۰ تماس بگیرید.



همایش بزرگ کانون‌های فرهنگی هنری دانشجویان

به نام آفریدگار اندیشه‌ها



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

اطلاعیه شماره ۲

همایش بزرگ کانون‌های فرهنگی و هنری دانشجویان

اهداف:

- افزایش و تعمیق مشارکت عملی دانشجویان فعال در عرصه‌های فرهنگی و هنری دانشگاهها
- فراهم‌سازی زمینه‌های تحقق آیین‌نامه کانون‌های فرهنگی و هنری
- ارزیابی فعالیت کانون‌های فرهنگی و هنری دانشجویان در دوره اخیر

زمان: ۲۷ مهر تا ۲ آبان ۱۳۷۸

مکان: اردوگاه شهید باهنر تهران

برنامه‌ها:

- کمیسیون‌های تخصصی دانشجویی
- نمایشگاه فعالیت‌های کانون‌های دانشگاهها
- اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری دانشجویان
- جلسات گفتگو و پرسش و پاسخ با حضور مسئولان
- نشست‌های تخصصی فرهنگی - هنری - ادبی با حضور اندیشمندان، صاحب‌نظران و اساتید

آدرس دبیرخانه: تهران - خیابان استاد نجات‌اللهی - کوچه سلمان پاک - پلاک ۱۵

تلفن: ۵ - ۸۸۹۵۴۷۴ و ۹۱۱۲۱۵۱۵۷۸

دورنگار: ۸۸۰۸۴۴۹

توجه: دانشجویان عضو کانون‌ها، برای کسب اطلاعات تکمیلی و دریافت فرم‌های ثبت‌نام به معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه محل تحصیل خود مراجعه نمایند.

اداره کل امور فرهنگی

ستاد همایش بزرگ کانون‌های فرهنگی و هنری دانشجویان

فروش یا معاوضه

باغچه ویلایی به انضمام کارگاه

واقع در بومهن

تلفن: ۷۸۶۱۵۵۳

آموزشگاه و آرایشگاه مسعودی

با دو دیپلم آرایش و پیرایش

خیابان امام خمینی - بین کارون و جیحون

روبروی مسجد - پلاک ۷۸۴

تلفن: ۶۸۷۷۶۶۷

فروشی

خیابان آزادی

آپارتمان دو خوابه با تمامی امکانات

تلفن ۶۰۳۰۰۸۹

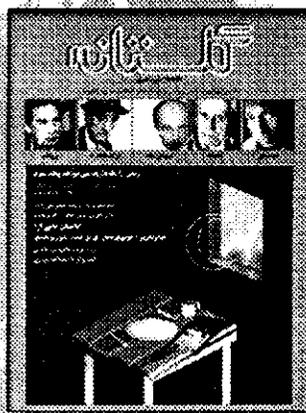
ظروف کرایه برگ سبز

خدمات ظروف و سرو انواع

غذاهای ایرانی و فرنگی

فنا، عقد، عکسبرداری و فیلمبرداری مجالس خود را بما بسپارید

تلفن: ۸۰۷۵۴۴۷ - ۹۱۱۲۲۴۶۹۹۹



گلستانه

ماهنامه ادبی، هنری

۱. هزینه اشتراک یک ساله ۳۶۰۰ تومان
۲. حساب جاری شماره ۲۷۱۵۶ به نام نشریه گلستانه . بانک تجارت شعبه نوبنیاد . کد شعبه ۱۰۱۹
۳. ارسال فتوکپی فیش بانکی به همراه فرم اشتراک به صندوق پستی گلستانه ۴۷۱۵-۱۹۳۹۵
۴. تلفن ۲۲۹۲۱۰۱
۵. برای آمریکا، اقیانوسیه و شرق دور ۳۰۰۰ تومان و اروپا ۲۰۰۰ تومان به مبلغ اشتراک اضافه می شود

فرم اشتراک ماهنامه گلستانه

نام و نام خانوادگی
نشانی
کد پستی
تلفن

طلاق سلب مسئولیت...

بقیه از صفحه ۱۷

آمار حکایت از این می‌کند که در آلمان از هر سه ازدواج و حتا از هر دو ازدواج یکی منجر به طلاق می‌شود. تنها در سال ۱۹۹۴ حدود ۱۶۶۰۰۰ ازدواج فسخ شد و ۱۳۵۳۰۰ کودک خردسال مجبور به کنار آمدن با ضربه‌ی ناگهانی جدایی شدند. یتیمان طلاق به روش‌های مختلف واکنش نشان می‌دهند. بعضی‌ها منزوی می‌شوند و آرام درد می‌کشند و برخی رفتاری صریح و مشخص از خود نشان می‌دهند. نشانه‌های رفتاری از پرخاشگری، ترس از جدایی، افسردگی، شب‌آزادی تا فکر خودکشی ادامه می‌یابد.

طلاق یا جدایی پدر و مادر برای بچه‌ها به مفهوم فروپاشی خانواده یا دنیای آن‌هاست. آن‌ها به ناگاه در میان دو انسان قرار می‌گیرند که هر دو را دوست دارند و از این پس نمی‌دانند به کدام یک تعلق دارند. تجربه یک کودک از جدایی والدینش جدایی خانواده‌ی اوست. مهم این است که پدر و مادر به او نشان دهند: «با وجود این که پیوند ازدواج ما به پایان رسیده است اما ما پدر و مادر تو باقی می‌مانیم.»

با رعایت نکات زیر می‌توانید فرزندان خود را در پشت سرگزاردن این بحران یاری دهید:

۱ - در صورت قطعی بودن طلاق در این باره به طور واضح و روشن با فرزند یا فرزندان صحبت کنید.

۲ - برای فرزندان توضیح دهید که چرا از هم جدا می‌شوید و بر این نکته تاکید کنید که او در این مورد مقصر نیست و با وجود آن که اکنون خانواده جدا از هم زندگی می‌کند، در آینده در کنارش هستید.

۳ - با فرزندان در مورد احساساتش صحبت کنید و ترس‌ها و نگرانی‌های او را جدی بشمارید.

۴ - به هیچ عنوان فرزندان را در نزاع و دعوای طلاق داخل نکنید.

۵ - سعی کنید در مورد خطاهای طرف مقابل اغماض کنید و منصف باشید.

۶ - فرزند شما به مادر / پدر نیاز دارد. تا جایی که ممکن است به او اجازه دهید تا مادر / پدری را که با او زندگی نمی‌کند ببیند.

۷ - به نظر بسیاری از مشاوران خانواده در صورت طلاق حق سرپرستی مشترک بهترین راه حل برای بچه‌ها است.

۸ - اگر فرزند شما برای جدایی آمادگی ندارد، باید از متخصص روان درمانگر یاری جست.

منبع: Leben & erziehen



هما آشیان رایانه

با ما جهت حراست از اطلاعات با ارزش خود مشاوره فرمایید.
ما آماده‌ایم تا با ارائه خدمات ویژه کامپیوتری شما را:

- در انتخاب سخت‌افزار و نرم‌افزار مناسب و با قیمت مناسب.
- طراحی کلیه سیستم‌های اداری و تجاری.
- آموزش کاربران کامپیوتر در کلیه سطوح به صورت خصوصی.
- درک صحیح از توانایی‌های کامپیوترتان.
- ارائه کننده تجهیزات حرفه‌ای گرافیک و انیمیشن.

یاری رسانیم.

شرکت هما آشیان رایانه - تهران، خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه نمازی، پلاک ۲۲
واحد ۱۱. تلفن و فاکس: ۸۸۴۸۷۱۷

متخصص زیبایی پوست و لاغری از پاریس

با دریافت مدارک ماری کورسال ۲۰۰۰ و همراه با آموزش و دیپلم بین‌المللی برطرف کردن چین و چروک و افتادگی، جذب کولائژن، فروت اسید هیدرو درمی، کاتیو ویتال، گرم و آرایش عروس

عظیما

۲۲۲۴۱۴۴ و ۰۹۱۱۲۱۷۲۲۶۵۷ ☎

مرکز گیاهان دارویی پویانا

ترک اعتیاد - اعصاب - مفاصل
حاق کننده و لاغر کننده گیاهی

جلوگیری از ریزش مو - زیبایی پوست - موهای زائد - تقویت جسمی و قوه باء
تحت نظر دکتر شمس (همیشه جوان بمانید)
تلفن: ۶۷۰۴۵۳۶

مجله‌ی حقوق زنان آگهی می‌پذیرد.

تلفن ۶۴۳۷۹۶۴ تلفکس ۶۴۳۴۲۶

زنان ما با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. بسیاری از آنان از حقوق خود آگاهی ندارند که تسهیل در انتخاب مشاور و یا وکیل راه‌گشای آنان خواهد بود و یا تدابیری که قوه قضاییه و یا قوای دیگر می‌توانند به آن بیندیشند و رهنمود دهند. زیرا که نمی‌شود در شرایط کنونی با موعظه و نصیحت و یا مختصرگویی و بی‌توجهی، زنان را در دستیابی به آنچه که حقیقتاً است محدود کرد. زنان ابزار مناسب را در دست ندارند از اینرو به محض برخورد با مشکلات و مسائلی که از حل آن ناتوانند افسرده و مأیوس از دادگاه خارج می‌شوند و به شرایطی تن می‌دهند که در شأن انسانیشان نیست. اگر قرار است به عدالت اجتماعی دست یابیم زنان نیمی از این اجتماعند. باید برایشان برنامه‌ریزی کنیم، و با اولویت‌بندی و بهادادن به خواست آنان در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... راه را برایشان هموار کنیم. تاثیر برنامه‌ریزی کشوری نیز آن هنگام است که مستقیماً زنان را نیز در زمره‌ی آنان قرار داده باشیم و توفیق در پیشرفت قضا نیز آن هنگام است که زنان را ببینیم و حتی به حقوق پنهان آنان نیز توجه کنیم. اکنون وقت آن است که قوه‌ی قضاییه تهیه لوایح مناسب برای زنان را در برنامه‌های خود بگنجانند و قضات شایسته را بر دادگاه‌های خانواده حاکم گردانند و با استفاده از اجتهاد علما دست به اصلاح برخی از قوانین بزنند و یا با تفسیر مناسب از قوانین راه را بر اجحاف به زنان ببندد.

در طی این سال‌ها مصوباتی برای اصلاح قوانین مربوط به زنان داشته‌ایم: اصلاح قانون طلاق و تأیید اجرت المثل برای زنان، اصلاح قانون حضانت، پرداخت مهریه به نرخ روز، ورود قاعده عسر و حرج در قانون طلاق و حضانت، تدوین شروط ضمن عقد ازدواج در سند نکاحیه و... به این امید که روند اصلاح قانون در جهت تأمین همه جانبه‌ی زنان ادامه یابد و در تغییرات جدید شاهد لوایح و طرح‌هایی به منظور حمایت از زنان باشیم.

مدیر مسئول

پانوشت:

۱. مقدمه‌ی قانون اساسی - ۲. اصل دوم قانون اساسی - ۳. اصل سوم قانون اساسی - ۴. اصل دهم قانون اساسی - ۵. اصل ۲۱ قانون اساسی

ترک اعتیاد

در یک هفته تضمینی
توسط پزشک متخصص

۶۴۰۲۸۶۰

۰۹۱۱۲۳۰۲۳۵۲

۰۹۱۱۸۷۱۸۱۱۰

دورا کلین

با ۳۰ سال تجربه در خشک‌شویی
مبلمان - موکت - فرش در خدمت
بهداشت خانه و محل کار
گرانتر - مطمئن‌تر
۸۴۰۸۳۹۵ - ۸۴۰۸۳۹۶

قنادی تیفانی

با بیش از ۴۰ سال سابقه کار
مراسم عقد، عروسی و جشن تولد شما را بامتنوعترین شیرینی‌ها و
انواع کیکها در مدل‌های جدید جاودانه می‌سازد.
آدرس: خیابان بهبودی نبش نصرت
تلفن: ۶۰۳۳۸۱۶

اضطراب! افسردگی!

اضطراب، وسواس، افسردگی، افکار مزاحم، ترس از امتحان و ...
مشاوره خانوادگی، تربیتی، تست هوش ناسازگاری
کودکان و نوجوانان، لکنت زبان و سایر اختلالات
گفتاری و یادگیری، تقویت و بالا بردن اعتماد به نفس
شماره تلفن: ۷۲۸۵۶۹
ساعات تماس ۹ الی ۱۲ و ۲ الی ۷ بعدازظهر

قو طیران

سازنده‌ی انواع قوطی‌های فلزی

تلفن: ۶۴۲۹۳۷۴

پوزش و تصحیح:

در پاسخ حقوقی سرگذشت فریب در صفحه‌ی ۱۷
و ۶۵ مجله، سه اشتباه رخ داده است که - تصحیح
می‌شود.

در سطر ۱۴ - در قانون مجازات اسلامی و قانون
ازدواج مصوب - صحیح است.

در سطر ۲۹ - ازدواج مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات
بعدی آن و - صحیح است.

در سطر ۲۸ - شناسایی اموال وی موجبات
توقیف و تأمین نهائماً صحیح است.

مدیریت خانواده

بقیه از صفحه ۲۱

برایش بازگو کنید و از او بخواهید که درستی آن را برایتان تصدیق کند.

۷- رؤس اصلی پیام‌های تلفنی را در آخر هر مکالمه برای طرفتان جمع‌بندی کنید و به‌طور صریح تأیید او را بگیرید. همه این محکم‌کاری‌ها برای این است که از بروز هر گونه سوء تفاهم پیشگیری شود.

سخن حکیمانه‌ی کنفوسیوس دانشمند بزرگ چینی را به خاطر بیابید که گفته است: «اگر زبان شما روشن و دقیق نباشد، به‌طور کامل مفهوم نخواهد شد و در نهایت کار مورد نظر شما انجام نشده و ناقص باقی خواهد ماند.» اگر می‌خواهید کار مورد نظرتان حتماً انجام شود، در وضوح و دقت پیامتان سنگ تمام بگذارید و محکم کاری کنید.

۸- ابتکار عمل را به‌دست بگیرید و در تلفن کردن پیشقدم شوید. صبر نکنید دیگران اول به شما تلفن بزنند. البته خرجتان بالا می‌رود، بنابراین جا دارد که با کسب آمادگی قبلی و کوتاه کردن صحبت‌هایتان هزینه‌های تلفنی خود را به حداقل ممکن برسانید.

۹- اجازه ندهید دیگران با تلفن‌هایشان وقت زیادی از شما بگیرند. سال‌ها پیش که خود را برای گرفتن گواهینامه‌ی رانندگی در خارج از کشور آماده می‌کردم، به‌خاطر می‌آورم که در کتابچه‌ی راهنما نوشته شده بود: «به‌طور دفاعی رانندگی کنید. همیشه مواظب خطاهای سایرین باشید. کافی نیست شما خودتان چراغ قرمز را رد نکنید، بلکه باید مواظب کسان دیگری باشید که با رد کردن آن هزار جور حادثه‌ی هولناک می‌آفرینند.» در

از بازیگری تا نویسندگی

بقیه از صفحه ۴۵

در همان فصل اول وقتی مک لین به ترس واضطرابش هنگام سخنرانی و گفت‌وگو با جماعت کثیر حاضر در سمینارها اعتراف کرد و هیجان خود را بر ملا می‌کند خودبه‌خود یک احساس قربابت بین او و خواننده پدید می‌آید.

«احساس آسیب‌پذیری و تهی بودن می‌کردم. تنها چیزی که به من دلگرمی می‌داد یک متن بیست و پنج صفحه‌ای موضوع سخنرانیم بود که در دست می‌فشردم. مراقب هر حرکت و عکس‌العمل جمعیتی بودم که در سکوت به من نگاه می‌کردند...»

در سفر به درون، مک لین مدام در حال مقایسه و ایجاد تعادل میان مباحث و پدیده‌هاست. او ایراداتی را به‌طور جداگانه بر فلسفه و مکاتب روان‌شناسی شرق و غرب وارد می‌داند و به همین علت هم ضمن تدقیق در این نواقص تمام سعی خود را کرده تا نقاط مثبت و ارزش‌های قابل حصول مکاتب مذکور را برای خواننده بازگشایی کند: «نزد ما غربی‌ها یافت روش‌های فکری و تعارفیمان در مورد تحقیق درباره‌ی هسته و جوهر مرکزی وجود انسان با شرقی‌ها کاملاً متفاوت است. شرقی‌ها کم‌تر از غربی‌ها به صورت خط مستقیم و مستدل فکر می‌کنند. آن‌ها به تصورانشان فضای

مورد تلفن هم کافی نیست شما کوتاه صحبت کنید بلکه باید شیوه‌های دفاعی مناسبی برای مقابله با پرگوین در پیش بگیرید. مثلاً اگر کسی به شما تلفن کرد و پرسید: «چه حال و خبر؟» و احساس کردید که می‌خواهد وقت زیادی از شما بگیرد، در پاسخ به او بگویید: «ببینم، با من کاری داشتی؟» و اگر باز ملاحظه کردید که در پرگویی خود اصرار می‌کند، بگویید: «لطفاً حرفتان را مختصر کنید، چون قدری سرم شلوغ است.»

۱۰- شما صددرصد مسئول موفقیت ارتباط تلفنی‌تان هستید. اگر طرف شما مثل خودتان با فرهنگ و آداب‌دان باشد بار مسئولیت شما سبک‌تر است ولی اگر او قدری یا کاملاً ناوارد و ناشی باشد، درجه‌ی مسئولیت شما به همان نسبت (تا ۱۰۰ درصد) بالاتر خواهد رفت. قدر مسلم این است که شما باید کاملاً به هدف یا هدف‌های خود از برقراری تماس تلفنی‌تان برسید.

۱۱- با سکوت خود مزاحمان تلفنی را از کارشان مأیوس کنید. مزاحمان تلفن نوعی کمبود و مشکل روانی دارند و می‌خواهند شما را ناراحت و عصبانی کنند و به بد و بیراه گفتن وادارند. زیر بار نروید! به محض آن که احساس کردید طرف شما مزاحم است، با خونسردی و آرامی گوشی را بگذارید. مطمئن باشید که او به‌زودی از ادامه‌ی کار ناشایستش دلسرد خواهد شد. البته در صورت امکان با پی‌گیری خود در صدد شناسایی و تعقیب قانونی او برآید. ولی تکرار می‌کنم هرگز ابراز ناراحتی نکنید و به‌اصطلاح از کوره در نروید. مزاحمان تلفنی دقیقاً همین انتظار را از شما دارند.

در شماره بعدی درباره‌ی شیوه علمی تشکر کردن، انتقاد کردن و بحث کردن سخن خواهیم گفت.

بیش‌تری می‌دهند و در مسیر تفکر به موضوعات مترادف و یا جنبی نیز می‌پردازند... متفکران غربی در مورد کشف ماهیت واقعیت‌ها و پیدا کردن تصورات جدید درباره آن‌ها و کسب دیدگاهی بسیط درباره اجسام و مطالب دچار اشکال می‌شوند» (ص ۱۸۹ - ۱۸۸)

«بیش‌تر پیچیدگی مربوط به سؤال درباره وجود خدا به تفاوت‌های موجود بین طرز تفکر غربی‌ها و طرز فکر شرقی‌ها درباره‌ی ضمیر آگاه مربوط می‌شود. پوینده‌ی شرقی به درون می‌گراید ولی جوینده غربی در خارج از وجود خودش به دنبال حقیقت می‌گردد. یک متفکر شرقی معتقد است خداوند اجازه می‌دهد تا انسان‌ها او را در درونشان بیابند و این فکر با وجودش درهم آمیخته است. ادیان غربی معتقدند که خداوند از انسان جداست و به عنوان وجودی برتر حضور دارد و به همین دلیل وجود خدا از نظر ایشان یک موضوع اعتقادی محسوب می‌شود» (ص ۸۹)

نویسنده حتی در روان‌شناسی دیروز و امروز تفاوت‌های زیادی را یافته و معتقد است که علم روان مراقبه باید همگام با پیشرفت تمدن و فن‌آوری حرکت کرده و متحول شود.

اعتقاد و باور مک لین به خداوند در مقام یک هنرپیشه‌ی زن آمریکایی تعجب‌آور است. یک مقایسه‌ی ساده میان او و همتایش بر این ادعا مهر ستاید می‌زند: «اگر انسان بتواند بازتاب نیروهای

ارث زن از دارایی شوهر

بقیه از صفحه ۲۰

- ۱۴- احمد عابدینی، «ارث زنان از همه دارایی شوهر با بخشی از آن» ص ۲۹.
- ۱۵- همان منبع ص ۸۹.
- ۱۶- شیرین عابدی «سهم الارث زن از زمین زراعی» از مجموعه مقالات «نگاه زنان»
- ۱۷- محمد باقر آشتیانی، «ارث از نظر اسلام»

منابع:

- ۱- نقد حقوقی ارث در قانون مدنی ایران: پرویز اوصیاء، رساله دکتری.
- ۲- ارث از نظر اسلام: محمد باقر آشتیانی.
- ۳- ارث - تاریخ: محمد رضا فقیری.
- ۴- بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران: دکتر حسین مهرپور، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۸.
- ۵- مقاله ارث زن از همه دارایی شوهر با بخشی از آن: احمد عابدینی، مجله‌ی فقه، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۷۷.
- ۶- مقاله «سهم الارث زن از زمین زراعی»، شیرین عابدی از مجموعه مقالات «نگاه زنان».
- ۷- مقاله «ارث زن از دارایی شوهر»: زین العابدین زاخری، چاپ تبریز ۱۳۵۲.
- ۸- تحقیق در ارث زن از دارایی شوهر: تقریرات آقای قاضی طباطبائی، چاپ تبریز ۱۳۵۳.
- ۹- رساله فی میراث الزوجه: شهید ثانی، از مجموعه رسالات دهگانه شهید ثانی، چاپ ۱۳۱۳ هج.
- ۱۰- موجز الاحکام و المیراث: دکتر احمد علی خطیب، چاپ اول ۱۹۶۶ میلادی.
- ۱۱- ارباب: محقق حلّی و شهید ثانی، ترجمه‌ی ابوالحسن محمدی.
- ۱۲- ارث الزوجه: آیت‌الله صافی گلپایگانی، از انتشارات دارالقرآن الکریم، قم، سال ۱۴۰۵ هج.
- ۱۳- بلغة الفقیه: سید محمد آل بحر العلوم، انتشارات مکتبه

خداوندی را در خود بشناسد، دیگر نمی‌تواند به قول تمسخرآمیز بعضی‌ها صحبت پیرامون این مسائل را نوعی فلسفه‌یافی بیهوده بداند... فقط از راه سفر به درون است که انسان می‌تواند به وجود نیروی خدایی در خودش واقف شود.» (ص ۱۰۰)

«اکنون بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ زمان آن فرا رسیده که با نیروهای درونی‌مان آشنا شویم و اخگرهای نیروی خداوندی را در خود حس کنیم.» (ص ۸۵)

و بدین ترتیب شرلی مک لین زنی که از بطن یک زندگی و تفکر مدرن غربی برخاسته - خود را به دست عرفان شرقی سپرده و راه رهایی و رستگاری و کلید خوشبختی را کیلومترها دورتر از آمریکا - با فرهنگ رو به اضمحلالش - در مشرق زمین می‌جوید.

منابع:

- ۱- پیا از کوه نفتی / شرلی مک لین / برگردان: سهراب جمهوری / انتشارات البرز / ۱۳۷۵
- ۲- راهی به مقصود / شرلی مک لین / ترجمه‌ی سهراب جمهوری / انتشارات البرز / ۱۳۷۶
- ۳- سفر به درون / شرلی مک لین / ترجمه سهراب جمهوری / انتشارات البرز / ۱۳۷۷ / ۲ - زندگی، جنگ و دیگر هیچ / اوریان فالاجی / ترجمه: لیلی گلستان / انتشارات امیرکبیر
- ۵- دایرة المعارف سبنمای / بیژن خرسند / ۱۳۶۱ / انتشارات امیرکبیر